

Graffiti IM

Graffiti Iran Magazine

شماره یکم آنیمه دوم اردیبهشت ۱۳۹۵

مجله تخصصی گرافیتی





من ع

www.alone.info

Ermis Games 2011

Graffiti IM

سال اول - شماره یکم

Magazine
Graffiti Iran

تیم مدربت: علی امانی، احمد رضا بیدگلی، RUN

2/ سرمهقاله / سردبیر

3/ از پسه مالاریا تشكیر کن / اسپری رنگ چگونه اختراع شد / علی امانی

5/ از مترو تا همه جا / نگاهی به چگونگی تولد، پیشرفت و تکامل جنبش گرافیتی نیویورک و انتقال آن به سراسر جهان / احمد رضا بیدگلی

16/ گرافیتی در دائم تئوری بسین ها / علی امانی

23/ مختصری بر استنسیل گرافیتی / RUN

29/ چالش جدید در گرافیتی ایران / احمد رضا بیدگلی

30/ گرافیتی و رب / علی امانی

31/ گرافیتی افغان / احمد رضا بیدگلی

34/ منحصر به فرد ترین ها / شکوفه پویا

39/ گفت و گو با RUN / OAK OAK

41/ اخبار هنر گرافیتی /

47/ حفظ باطن و روح گرافیتی در کالبد فرهنگ بارسی / دانیال تاریک

سردبیر این شماره: احمد رضا بیدگلی

امور داخلی: شکوفه پویا

پستیبانی و شبکه: دانیال تاریک

طراح گرافیک و صفحه ارایی: احمد رضا بیدگلی

اعضای تحریریه:

RUN، شکوفه پویا، دانیال تاریک، احمد رضا بیدگلی

، علی امانی

و با تشکر از همه کسانی که ما را در انتشار این

مجله یاری کردند

راه ارتباطی:

graffitiiranmagazine@gmail.com

صفحات رسمی ما:

telegram.me/graffitiiranmagazine

instagram.com/graffitiiranmagazine

aparat.com/graffitiiranmagazine

بهای خرید هر نسخه از مجله انتشار آن به

دیگران است.

سرمقاله:

در دنیای امروز که همه چیز در چارچوب قانون و ممیزی و نظارت و کنترل در جریان است و در دنیایی که روزمرگی و تکرار هر روز پررنگ‌تر از قبل می‌شود باید چیزی را یافت که روح را جلا دهد، فکر را بکار بیندازد و شاید تلنگری بر تن جامعه بزند، اصلاً غذای روح باشد تنها چیزی که می‌تواند در این میان به داد ما برسد «هنر» است! اما هتری که باید زاده‌ی تفکر و تعلم و ذوق هنرمند باشد، آیا در میان این کنترل‌ها و نظارت‌ها خروجی مطلوب را خواهد داشت؟

امروزه اکثر هنرها و هنرمندتها خودشان را در این چهارچوب‌ها جا داده‌اند و «هنر رسمی» را به وجود آورده‌اند. صاحبان قدرت نیز این هنر رسمی را از راه گوش و چشم هر روز به خورد ما دادند تا باورمان شود که هنر باید «رسمی» باشد و برخی حتی باورشان هم شد و مسئله از آنجایی دردناک‌تر شد که هر هنرمندی را که خارج از این چهارچوب‌ها حرکت کرد « مجرم » خوانند

این هنرمندان سرکش و عصیانگر که البته تن به قانون ندادند، انگاری نظم را برهم ریختندا این ترتیب‌ها را بهم زندن، اصلاً این تمیزی کسل کننده را هم.... ،

اما یک چیز را زنده نگه داشتند و آن «هنر بکر و ناب» بود و برخلاف آن هنرمندھای رسمی، این غیررسمی‌های زیرزمینی نه تنها بابت هنرشنان پولی نگرفتند بلکه هزینه‌های پرداخت کردند اهنر ناب به قیمت خریدن همه خطرهایش به جان...

گرافیتی و هنر خیابانی نمونه‌ی کاملی از همین هنر غیر رسمی است که تا حد خیلی زیادی «رسمیت» را بی ارزش کرده است! مجله پیش رو تلاشیست نه کامل! از تعدادی جوان با طرز فکرهای متفاوت اما نزدیک به هم و با یک هدف مشترک: «ارتقای آگاهی نسبت به «هنر گرافیتی» با دادن اطلاعات مفید از این هنر مهم»

در این شماره کوشش شده است ضمن نگاهی به گذشته گرافیتی و بررسی بخشی از گرافیتی امروزمان، چشم اندازی از آینده نیز ترسیم شود. بطور حتم اشکالاتی به مطالب ما وارد است که امیدواریم با کمک شما عزیزان بتوانیم در شماره‌های بعدی مجله آن را به حداقل پرسانیم و این راهی را که شروع کرده ایم به بهترین شکل ادامه دهیم...

سردبیر این شماره

احمدرضا بیدگلی

از پشه‌ی مالاریا تشکر کن!

نوشته‌ی علی امانی

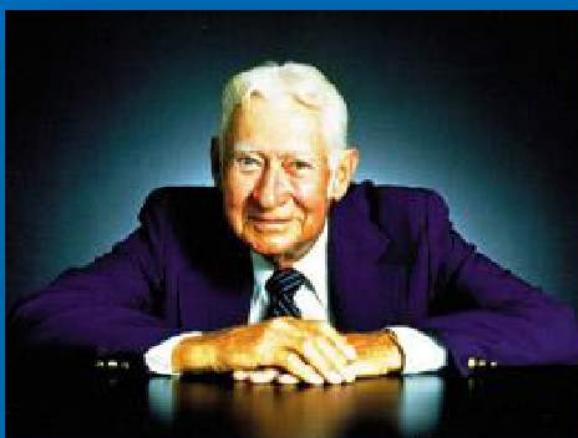
از پشه‌ی مالاریا تشکر کن!

در سال 1949 یک زن و شوهر امریکایی بنام ادوارد سیمور و همسرش بانی به دنبال راهی برای رنگ زدن دیواره‌ی رایاتور بخار خود بودند از آنها بلقوچه به داغ بودن رایاتور بخار به دنبال راهی برای پاشیدن رنگ روی سطح رایاتور بودند که بانی پیشنهاد کرد یک رنگ پاش مثل اسپری‌های حشره کش و خوشبو کننده پسانند و ادوارد سیمور با این ایده و فکر اولیه از همسر خود توانست اولین اسپری رنگ را با تغییر در مواد اسپری‌های خوشبو کننده و اضافه کردن رنگ به آن بسازدا بعد از آن ادوارد با گرفتن وام از بانک محلی تصمیم گرفت این ایده انقلابی را گسترش دهد و کارخانه "سیکمور" را تاسیس کرد که اولین شرکت در تولید اسپری‌های رنگ در جهان بودا(که البته هنوز هم فعالیت میکند)

اسپری رنگ چگونه اختراع شد؟

علی امانی اولین تحقیقات و نتایج روی ذرات معلق به قبیل از سال 1790 برمیگردد این تحقیقات شاید ظاهرا بیطبی به بحث ما نداشته باشد اما پایه گذار اکتشافات زیادی در صنعت بود استا در سال 1927 در شهر سولو نوروژ مهندس شیمی "اریک رودیم" در تلاش بود تا وسیله‌ای برای واکس زدن اسکی خود پیدا کند این تلاش‌ها با نتایجی که قبل از در مورد ذرات معلق بدست آمده بود او را به اختراع اسپری افشاره ذرات رساند این اختراع در سال 1931 در ایالات متحده آمریکا ثبت شد و با قیمت 100,000 کرون نوروژی (واحد آن زمان پول نوروژ) به یک شرکت آمریکایی فروخته شد!

در دهه‌ی 30 و 40 میلادی پشه‌ی مالاریا دمار از روزگار مردم آمریکا دراورده بود ، پشه‌ی مالاریا از یک سوئیروهای امریکایی حاضر در جنگ جهانی دوم را شدیداً آسیب پذیر کرده بود و سوی دیگر آسیب‌های جدی به محصولات کشاورزی وارد میکرد تا اینکه در سال 1944 "لایل دیوید گودلوو و ون سایلوان" که برای وزارت کشاورزی امریکا کار میکردند توانستند راهی برای گنجاندن گاز مایع در داخل اسپری کشف کنند آنها از یک نازل برای خروج گاز از داخل اسپری استفاده کردند و بدین ترتیب اسپری حشره کش پشه‌ی مالاریا را اختراع کردند که تا حد زیادی از آسیب‌های پشه‌ی مالاریا کم کردا این اختراع واقعاً بزرگ بود و تاثیر خیلی زیادی روی کشف اسپری رنگ داشت چرا که از این به بعد امکان گنجاندن گاز مایع در اسپری‌ها را فراهم میکرد!



(ادوارد سیمور مخترع اسپری رنگ - Edward Seymour)

از پشه‌ی مالاریا تشکر کن

نوشته‌ی علی امانی

شاید نه ادوارد سیمور و نه همسرش فکرش را هم نمیکردند که روزی این اختراع شان تحولی آنچنان بزرگ در هنر نقاشی ایجاد کند که چهره‌ی شهرها را به کلی عوض کند.

به هر حال اسپری‌های شرکت سیکمور که به سرعت مورد استقبال قرار گرفته بود و در صنعت و کار محبوب شده بود هر روز پیشرفت کرد و اسپری‌های بهتر و بیشتری تولید کردا به طوری که در سال 1973 در حدود 270 میلیون قوطی اسپری تولید کرد و میتوان از جمله اولین اسپری‌های تولیدی در آن زمان از Rust-Oleum و Krylon نام برد!

این اسپری‌ها کوچک بودند و کار کردن با آنها سریع بود و البته زد خشک میشدند پس بهترین وسیله برای گرافیتی نویسان بودند چرا که به راحتی میتوانستند ان را در لباس خود مخفی کنند و سریع هم با آن نام خود را بنویسند!

اسپری رنگ اولین بار در امریکا ساخته شد و چند سال بعد جنبش گرافیتی در نیویورک متولد شد انسان در طول تاریخ همواره وقتی در شرایط سخت قرار میگرفته دست به تولید و اکتشاف میزد استا شاید اگر پشه مالاریا آمریکایی‌ها را به تولید اسپری‌های حشره کش و نمیداشت ادوارد سیمور هم نمیتوانست اسپری رنگ بسازد و شاید جنبش گرافیتی هم هیچ وقت متولد نمیشد!

مجله گرافیتی ایران



۲



(اولین نسل از اسپری‌های رنگ)



(اسپری Rust-Oleum و Krylon در دهه‌ی 70 از جانب گرافیتی تریس‌های نیزبورک زیاد استفاده میشند)

از مترو تا همه جا

احمدرضا بیدگلی

نگاهی دقیق به چگونگی
نولد، پیشرفت و تکامل
جنبیش گرافیتی نیویورک و
انتقالش به سرتاسر جهان

۱- پیش زمینه 1966-71

گرافیتی در ابتدا برای فعالیت‌های سیاسی و همچین باند‌های خیابانی استفاده می‌شد، باند‌های خیابانی از گرافیتی برای تعیین محدود و منطقه‌ی خود استفاده می‌کردند.

اگر چه که در لس آنجلس در سال 1930 سرخ پستان و دوره گردان (چولوها) رُفعی نقاشی روی دیوار می‌کشیدند، اما آن هویت اصلی گرافیتی نبود و گرافیتی در اواخر 1960 شکل گرفت.

جنبیش هنر زیر زمینی با نام‌های بسیاری شناخته می‌شود که مهم‌ترین آن گرافیتی است. این جنبیش در فیلادلفیا و پنسیلوانیا در نیمه‌ی دوم دهه ۶۰ غرایگیر شد.

از مترو تا همه جا

نوشته‌ی احمد رضا بیدگلی



در این فرآگیری نقش دو نفر بسیار پر رنگ بود :

COOL EARL و CORNBREAD

این دو نفر به یک باره نامشان در سراسر شهر فیلادلفیا و پنسیلوانیا بر سر زبان‌ها افتاد و توجه جامعه و مطبوعات محلی به آنها جلب شد چون آنها اسمشان را همه جا مینوشند!

البته مشخص نشده است که راه یافتن گرافیتی به نیویورک به خاطر تلاش‌های عمدی بوده یا اینکه خود به خود این اتفاق افتاده است.

2-ولد 1971-74

مدت کوتاهی بعد "کرن براید" در سال 1971 از نیویورک تایمز مقاله‌ی راجع به یک نویسنده‌ی گرافیتی به نام Taki 183 که از منهتن واشینگتن بود به چاپ رساند و مصاحبه‌ی با او کرد. Taki 183 نام پسر جوان از ارتفاعات واشینگتن بود. Taki نام مستعار برای دمتریوس و 183 نام خیابان محل سکونت آن بود. او نوعی پیام را به وسیله‌ی امضا زدن بر دیوار‌های مترو انجام میداد.

اما او به هیچ وجه اولین نویسنده گرافیتی یا اولین پادشاه نبود. اما با این حال اولین کسی بود که شهرتش به خارج از خرد فرهنگ تازه شکل گرفته راه پیدا می‌کرد!

در خیابان بروکلین یک جنبشی شکل گرفت و شروع به رشد کرد که شامل نویسنده‌گان فعالی بود گروه "دوستانه فردی" از جمله اولین فعالان این خیابان بودند. سیستم مترو شهر نیویورک به عنوان یک خط ثابت، عنصر وحدت بخش و راه ارتباطی بین جنبش‌های گرافیتی مناطق مختلف نیویورک بود. بطوری که مردم 5 بخش مختلف نیویورک را از تلاش‌های دیگر، مناطق آگاه میکردند، به عبارت،

دیگر نوشته‌های گروه و شخصی که روی دیواره مترو حک می‌شد با توجه به اینکه متروها در سراسر شهر نیویورک حرکت میکردند آن نوشته و پیام در تمامی شهر به نمایش گذاشته می‌شد و این اساس رقابت بین نویسنده‌گان گرافیتی را ایجاد کرد. این نگارش‌ها عمدتاً خیلی ساده و معمولی بود. نویسنده‌گان گرافیتی به داخل مترو سوار می‌شدند و روی بدنه‌ی داخل واگن‌های مترو تگ می‌زدند. چون تگ زدن (امضا زدن)، بیشتر در آنجا امکان پذیر بود و البته تگ زدن تنها روش نوشتن در آن زمان بودا

مدت زیادی نگذشت تا نویسنده‌گان گرافیتی کشف کردند که میتوانند روی بدنه‌ی بیرونی قطار مترو به نگارش تعداد بیشتر از قطارهای مترو، در زمان کوتاه‌تر با احتمال گرفتار شدن کمتر بپردازند و این انفجاری بود برای تاسیس شیوه‌ی جدیدی از گرافیتی!

سبک تگ:

بعد از مدتی این نوشتن‌ها فرآگیر شد و تعداد زیادی از مردم به این نوشتن‌ها روی آوردند. پس برای رسیدن به شهرت و دیده شدن دیگر فقط نوشتن کافی نبود بلکه باید راهی جدید پیدا میکردند که نوشته‌ی آنها با بقیه فرق داشته باشد و آنها را از بقیه متمایز کنند. راه اول ایجاد تگ یا

مقایس تگ:

گام بعدی بزرگتر شدن مقایس و اندازه‌ی تگ‌ها بود. نویسنده‌گان گرافیتی شروع به عرضه‌ی امضاهای در مقایس‌های بزرگتر کردند. استفاده از اسپری رنگ برای تگ زدن، طبیعتاً امضای بزرگتری از یک امضای کشیده شده با مارکر (ماژیک) بجای می‌گذارد. آیا این نظرها را بیشتر جلب نمیکرد؟

پس نویسنده‌گان شروع کردند به افزایش ضخامت حروف خود و همچنین اضافه کردن رنگ‌های متنوع در تگ‌ها. آنها کشف کردند که میتوانند با تغییر نازل اسپری و استفاده از کپ‌های دیگر میتوانند به ضخامت بیشتری برای Aerosol Tag برستند. امضاهایی که به وسیله اسپری زده میشود را Tag Aerosol میگویند و این کشف حرکتی بود به سمت متولد شدن "Masterpiece" سبک "شاهکار یا اثر" یا خیلی سخت است فهمیدن این که چی کسی اولین اثر یا piece را کشیده است، اما معمولاً می‌گویند WAP SUPER KOOL 223 از برانکس و از برکلین، جز پیشگامان این کار هستند، حروف ضخیم‌تر امکان بیشتری برای بالا بردن نام و نشان افراد میداد.

نویسنده‌گان شروع به تزیین حروف کردند آنها دیگر فقط یک "نویسنده" نبودند بلکه "طراح" بودند. در ابتدا آنها حروف را به صورت یک طرح خال خالیه ساده میکشیدند، بعداً حروف را سایه زدند، ستاره‌ها، استفاده از نوعی سبک شطرنجی و ... که همه‌ی این طراحی‌ها تهبا به تخیل هنرمند محدود میشدند کم کم به گرافیتی وارد شدند هنرمندان گرافیتی در نهایت شروع به ارائه‌ی این "اثر" یا piece‌ها روی بدنه‌ی واگن‌های مترو SUPER KOOL 223 کرده و اولین بار این کار را top-to bottoms انجام داد. این اثرها نامیده میشدند

یا امضاهای منحصر به فرد بود، که خط نشان خود را بصورت خوشنویسی و جالب میکشیدند. آنها تگ‌های خود را با تزئینات نگارشی مثل ستاره زدن و غیره به نگارش در می‌آورند.

برخی از این طرح‌ها بشدت مورد توجه قرار گرفت و دیده شد در حالی که مابقی طرح‌ها این گونه نبود. برای مثال استفاده از "تاج" برای تزیین تگ‌ها (به صورتی که تاج را بالای لقب و یا اسم خود میکشیدند) از سوی نویسنده‌گان گرافیتی که خود را پادشاه این عرصه میدانستند مرسوم شد که البته هنوز هم مرسوم است. شاید معروف ترین تگ در طول تاریخ فرهنگ این هنر مربوط به STAY HIGH باشد. خلاصه‌ی که او به خرج داد مورد توجه قرار گرفت، آن خلاصت "سیگار" بودا او در تگ خود حرف "H" را در حال سیگار کشیدن به نگارش در آورد. او همچنین لوگوی برنامه‌ی مورد علاقه‌اش یعنی The Saint را با تغییراتی وارد تگ خود کرده بود.





SUPER KOOL 223

Wild style Mechanical گرافیتی نویسی بنام PHASE2 با کار استادان دیگری چون RIFF 170 و PEL باعث رشد و توسعه شد.

RIFF در اوایل به عنوان یک کاتالیزور عمل کرد و این‌ها "سبک جنگ" را پایه گذاری کرد و ایده و سبک دیگر هنرمندان را بهبود بخشید و به سطح بالاتر ارتقا داد.

هترمندانی چون FLINT 707 و PISTOL سهم بسیار مهمی در توسعه گرافیتی داشتند آنها حروف را سه بعدی کردند و عمق را به "اثر" اضافه کردند، سه بعدی شدن حروف بعداً به عنوان یک استاندارد در گرافیتی تبدیل شد.

"هوگو مارتینز" یک جامعه شناس از کالج شهر نیویورک متوجه زیبایی و پتانسیل بالای این هنر نوپا شد، او به دنبال هنرمندان گرافیتی امریکا رفت!

او United Graffiti Artists یا UGA را تشکیل داد "UGA" از هنرمندان گرافیتی مترو سراسر نیویورک تشکیل شده بود.

این "اثر"‌ها از نظر مقیاس و رنگ نسبت به قبل پیشرفت چشمگیری داشتند. اما هنوز هم بشدت شبیه تگ‌ها بودند.

فضای رقابتی شدیدی با سبک‌های نوشتن مختلف ایجاد شده بود که شامل تگ‌های با استایل "اثر" بودند. کمی بعد سبک برادوی با TOPCAT توسط Broadway style

از فیلادفیا وارد گرافیتی شد، حروف به این سبک باعث ایجاد سبک‌های دیگر و حتی تکامل یافتن حروف سبک‌های blockletters، blockbusters، leaningletters،

PHASE 2 یکی دیگر از گرافیتی کاران آن زمان سبک Soft letters رو تغییر و توسعه داد و سبک حبابی شکلی را ایجاد کرد که به آن

Bubble letters می‌گفتند! Broadway ، Bubble letters پایه و اساس بسیاری از سبک‌های دیگر شدند.

Soon arrows, curls, twists adorned connections letters توسعه پیدا کردند و پیچیده تر شدند، و به پایه و اساس سبک مکانیکال یا استایل وحشی تبدیل شدند.

خود را در زمینه‌ی رسمی از یک گالری از بن اسراشندان ارائه کرد. این اولین گالری برگزار شده از هنر گرافیتی بود که کار تعدادی از گرافیتی نویس‌های نیویورک در **Razor** به نمایش گذاشته شد که مورد استقبال هم واقع شد!

و همچنین مقاله‌ی سال 1973 مجله‌ی نیویورک از ریچارد گلدشتاین با عنوان "گرافیتی خودنمایی موفق" باعث شناخت اولیه عموم از پتانسیل هنر مترو شد. و حدود سال 1974 بود که کشیدن تصاویر و شخصیت‌های کارتونی که "اثر" نیز دید **TRACY 168, CLIFF 159, BLADE ONE** شده‌امدانی چون **CLIFF 159, BLADE ONE** که با این تواواری روی آورده و شد اساس سبکی از گرافیتی که بیشتر در آن زمان روی واگن قطار کشیده میشد یعنی **Mural**

۳- قله ۷۷-۱۹۷۵:

بیشتر نوادری‌های گرافیتی تا نیمه دهه 70 میلادی ایجاد شده بود. تمام استانداردهای این هنر برای نسل جدید گرافیتی شکل گرفته بود و نیویورک در یک بحران مالی گرفتار شده بود. شهر ورشکسته بود و سیستم حمل و نقل ضعیف نگه داری میشد. این مسائل برای ایجاد سنگین ترین بمباران گرافیتی در طول تاریخ کافی بودا

در این زمان سبک‌ها شروع کرددن به متمانیز شون از هم، نقاشی گردن روی واگن قطار رویدادی بود که یک استاندارد تبدیل شده بود که با سبک "throw-up" تقریباً بمباران شد. "ترو آپ" سبکی بود که از چیدمان حروف بصورت حبابی شکل که بطور کلی ساده است و با یک رنگ داخلی پر میشد.

ترو آپ در سرتاسر مترو ظاهر شد!

تیم‌های **Crew** های مانند: **POG, 3yb, BYB TC, TOP** سهم مهمی در ساخته شدن این سبک داشتند.

FLINT 707

یکی از اولین اثرهای داری حجم

البته پادشاهان سبک ترو-آپ شامل **TEE, IZ, DY 167, PI, IN, LE, TO, OI, FI aka VINNY, TI 149, CY, PEO** بودند که رقابت بسیار جدی با هم داشتند، آنها تصمیم گرفتند با هم رقابت کنند تا ببیند چه کسی میتواند بیشترین ترو-آپ را انجام دهد. بنابراین ترو-آپ از سال 1975 تا 1977 روی بدن و اگن‌های قطار به اوج خود رسید و کل اگن‌ها، زیر گام‌های غول‌های چون **CLIFF** و **TRACY** قرار گرفت!

4- تقویت سبک‌ها 1978-81:

موج جدیدی از خلاصه‌ی در اوخر سال 1977 نمایان شد و "سبک جنگ" میان گرافیتی کاران دوباره اوج گرفت. این آخرین موج بمبان گرافیتی بود قبل از آن که سازمان حمل و نقل، پاک کردن گرافیتی‌ها را در اولویت قرار دهد. PHASE 2، Broadway که توسط PEL و RIFF 170 گسترش یافت که در خط 2 و 5 مترو گرافیتی کار میکرد. رقابت‌ها بالا گرفته بود گروه‌ها یا کروهای گرافیتی رقبای هم شده بودند و در خطوط مترو مبارزه میکردند این رقابت در سبک جنگ مرسوم بود!

DUST، SEEN، MAD، PJ میکردند اما با سبکی متفاوت و با جزئیات بیشتر MITCH 77، BAN 2، BOO 2، KID 56، PBODY، MAX 183، 4 حکومت می‌کردند. FUZZ ONE . حضور عمدی بر تمام واگن‌های خط 7 داشت کرو BMT، TKA و CIA کار میکردند و بقیه از کار کردن در انجا محروم بودند.

در سال 1980 نقاشی روی بدنه بقالو یا گاو‌های وحشی آغاز شد، گرافیتی کاران برای مدت کوتاهی روی بدنه حیوانات مزارع "اثر" میکشیدند که موجب شد مردم برای حیاط‌ها و زمین‌های خود حصار بکشند. پس نویسنده‌ی کم کم از کشیدن گرافیتی روی بدنه گاوها منصرف شدند و دنبال گزینه‌های خلاقانه‌ی دیگر رفتند. بسیاری از نویسنده‌گان پریشان فکر، دنبال فرصت‌های شغلی فراتر از نقاشی کردن روی واگن‌های مترو رفتند.

جهان هنر آماده‌ی پذیرش دوباره‌ی هنر نوشتند.

به جز گالری تیغ که در اوایل 1970 بود بوجه مشبت زیادی به این هنر نشد بود. در سال 1979 بود که LEE QUINONES گالری به همراه

دلال هنر Claudio Bruni در رم ایتالیا باز کردند!

در سال 1980 بسیاری از نویسنده‌گان به مکان‌های مانند استودیوهای هنری و گالری‌های مد و لباس هجوم اوردنده تا افق دید خود را گسترش دهند.

اینها و گالری‌های بعد از آنها یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش این هنر به خارج از کشور امریکا بود است. دلالهای هنر اروپا بسیار نسبت به این هنر جدید اشتیاق نشان دادند. شو‌های شامل نقاشی‌های گرافیتی ایجاد شد و جهان به دنیای جوانان نیویورک تبدیل شد.

5- بقا 1982-1985:

در اویل دهه‌ی 80 تا اواسط دهه‌ی 80 میلادی جریان نو ظهور گرافیتی به شکل خیلی فرازینده ای رو به و خامت و نابودی پیش میرفت و مشکلات از 2 سو گرافیتی رو به فساد کشانده بودا برخی از این مشکلات مربوط به شرایط خود جامعه‌ی نیویورک بود و برخی از مشکلات خاص خود جریان گرافیتی!

1- جامعه‌ی آسفنه نیویورک _ کراک و کوکائین که تازه وارد چرخه‌ی قاچاق در آمریکا شده بود همه گیر شد و شهر رو از درون متلاشی کرده بودا تجارت مواد مخدور رونق گرفته بود و باعث شده بود سلاح گرم براحتی قابل دسترس باشد و همین باعث میشد جو خیابان‌های نیویورک خیلی متشنج شود!

2- عزم و اتحاد جدی برای نابودی کامل گرافیتی _ قوانین سخت گیرانه‌ی جدیدی برای حذف و مقابله جدی با گرافیتی وضع شد، که فروش اسپری‌های رنگ را محدود میکرد و مغازه‌داران را موظف میشندند تا اسپری رنگ به افراد کمتر از 18 سال نفوذشند و اسپری‌های رنگ خود را در قفسه‌های فلزی با قفل نگه داری کنند که این کار را برای دزدی از مغازه‌های سخت تر

در این بین قدرت بدنی و وحدت crew‌ها و یا دار و دسته‌های خیابانی به بخش عمده‌ی از موفقیت در گرافیتی تبدیل شد چرا که در تونل‌ها و محوطه‌ی اطراف قطارهای مترو درگیری‌های بزرگ و افسانه‌ای شکل می‌گرفت، علاوه بر جنگ با پلیس مترو درگیری بین خود نویسنده‌گان هم وجود داشت که به این هنر ضربه میزد از جمله‌ای این درگیری‌ها میتوان به درگیری Cope2 با SEEN و Tkid اشاره کرد!

- مرگ سخت 1985 - 1989

گرافیتی در خطوط مترو به شکل قبل توجهی کاهش یافت بدلیل این که واگن‌های مترو سریع‌تر در کارگاه‌های مخصوص سرویس می‌شدند و این شرایط را برای آخرین شلیک بر نویسنده‌گان فراهم کردا اما آخرین موج بزرگ در خطوط 2 و 5 مترو اتفاق افتاد جایی که نویسنده‌گانی مانند WANE, WEN, DERO, WIPS, TKID, SENTO, CAVS, M KAY و CLARK می‌زدند که اغلب با رنگ خیس و روان انجام می‌شوند. که این سبک نیز یک از انواع گرافیتی به شمار میرفت و تا امروز هم کاربرد دارد. با توجه به عدم وجود رنگ و اسپری و عدم شجاعت برای کشیدن گرافیتی در لاین‌های مترو، در بیرون از واگن‌های مترو با استفاده از مارکر تگ میزند تا برای مدت طولانی تری باقی بماند و اینگونه طبیعتاً احتمال گرفتار شدن هم کمتر بود!



می‌کردا سازمان حمل و نقل نیویورک و مسئولان مترو بودجه خیلی زیادی رو برای مقابله با گرافیتی اختصاص دادا از محدوده‌های مترو محافظت بیشتر و شدیدتری میشدا تعداد نیروهای پلیس مترو خیلی بیشتر از قبل شدادر دسترسی به بسیاری از مناطق و ناحیه‌های مورد علاقه گرافیتی نویس‌ها تقریباً غیر ممکن شدادر نرده‌های جدیدی برای مترو گذاشتند که بسیار مقاوم‌تر و پیچیده‌تر از نرده‌های قبل بود و همچنین نرده‌های تخریب شده را به سرعت ترمیم میکردند!

عزم جدی و منسجم و خیلی قویی برای ناپدید کامل گرافیتی فراهم شدا عمر نقاشی‌های که روی بدن مترو‌ها و در و دیوار بوده از چند ماه به چند روز کشد (سریع پاک کردن) همه چیز برای مرگ گرافیتی اماده شده بود!

گرافیتی نویس‌ها با شرایطی رو به رو شدند که تا به اون زمان هنوز تجربه نکرده بودند تعداد زیادی از گرافیتی نویس‌ها دستگیر شدند و خیلی‌های دیگر هم چون فکر میکردند که دیگر نمیتوانند در اون شرایط سخت ادامه بدهند و بنابراین دست از ادامه دادن کشیدند اما بسیاری دیگر به راحتی دلسرب نشدند. اما به هر حال آنها هم تحت تاثیر قرار گرفتند، آنها شرایط جدید را به عنوان یک چالش درک کردند و عزم خود را برای شکست پلیس مترو تقویت کردند، با توجه به فقدان مکان و کمبود مکان برای کار، آنها روحیه‌ی تهاجمی پیدا کرده بودند و ادعای مالکیت نسبت به محوطه‌های مترو داشتند.

ادعای مالکیت و قلمرو چیز جدیدی در گرافیتی بود و البته خطر جدید که تهدیدشان میکرد متفاوت نسبت به گذشته بطوری که اگر یک نویسنده غیر مسلح برای نقاشی به خطوط مترو میرفت، ضرب و شتم و دزدیده شدن لوازم نقاشیش تقریباً تضمین شده بودا

«آثارت را اجرا کن اگر چه زیاد دیده نشود و فقط اولین کسانی که با قطار سفر می‌کنند ببینند.»

لیست کوتاه از نویسندهای جنبش قطار پاک:
COPE2, SENTO TFP, POEM, YES2



قراصه‌ها:

واگن‌های فرسوده که از سیستم مترو خارج شده بودند به "قراصه خانه" جای در بروکلین فرستاده شدند. با وجود این که این قطارها برای نابودی در اولویت بودند، نظر بسیاری از نویسندهای را به خود جلب کرده بودند. برخی فقط بخارتر گرفتن یک عکس با نام خود روی بدنه‌ی مترو و یا زنده کردن خاطراتشان روی این واگن‌های فرسوده گرافیتی می‌کشیدند.



این تگ‌ها تمام تلاش‌های کلی این هنر فقیر شده بود. روزهای که نویسندهای با غرور و افتخار سبک خود را می‌کشیدند برای مدت طولانی رفته بود. اگر نویسندهای که در بالا ذکر شد و چند نفر دیگر نبودند، میتوان گفت که این هنر در نیویورک رسم‌آور بود!

در اواسط دهه ۸۰ پلیس مترو دست بالا را داشت بسیاری از نویسندهای کثارت کشیده بودند و خشونت فرو کش کرده بود. اکثر خطوط بطور کامل از نوشتن آزاد شده بود!

۷- جنبش قطار پاک ۱۹۸۹ - تا امروز!

در ۱۲ ماه می ۱۹۸۹ پلیس حمل و نقل (مترو) پیروزی کامل بر گرافیتی را اعلام کرد و بر اثر یک سیاست تمام واگن‌های مترو که فرسوده شده بودن یا واگن‌هایی که قبل از زیاد روی آنها گرافیتی کشیده شده و با این حال که گرافیتی‌ها پاک شده بود اما هنوز اثر آنها کامل از روی پرخی واگن‌ها پاک نشده بود را از خدمات بیرون برداشت و واگن‌های نو و جدید جایگزین کرد. با این فکر که هیچ نقاشی گرافیتی دیگر انجام نخواهد شد و این بود تولد جنبشی که به عنوان "جنبس قطار پاک" شناخته شده بود!

در تفکر جنبش قطار پاک نویسندهای کار این باورند که نقاشی مترو "عمل تعریف بر بودن یک گرافیتی کار" است. دیوار، واگن ماشین های سنگین، اتاقکهای فولادی و بوم به نوعی گرافیتی "فیک" است برای نویسنده‌ها، پس این نویسندهای حاضر به تسلیم شدن در نبرد با پلیس مترو نبودند!

جنبش خیابان نیویورک:

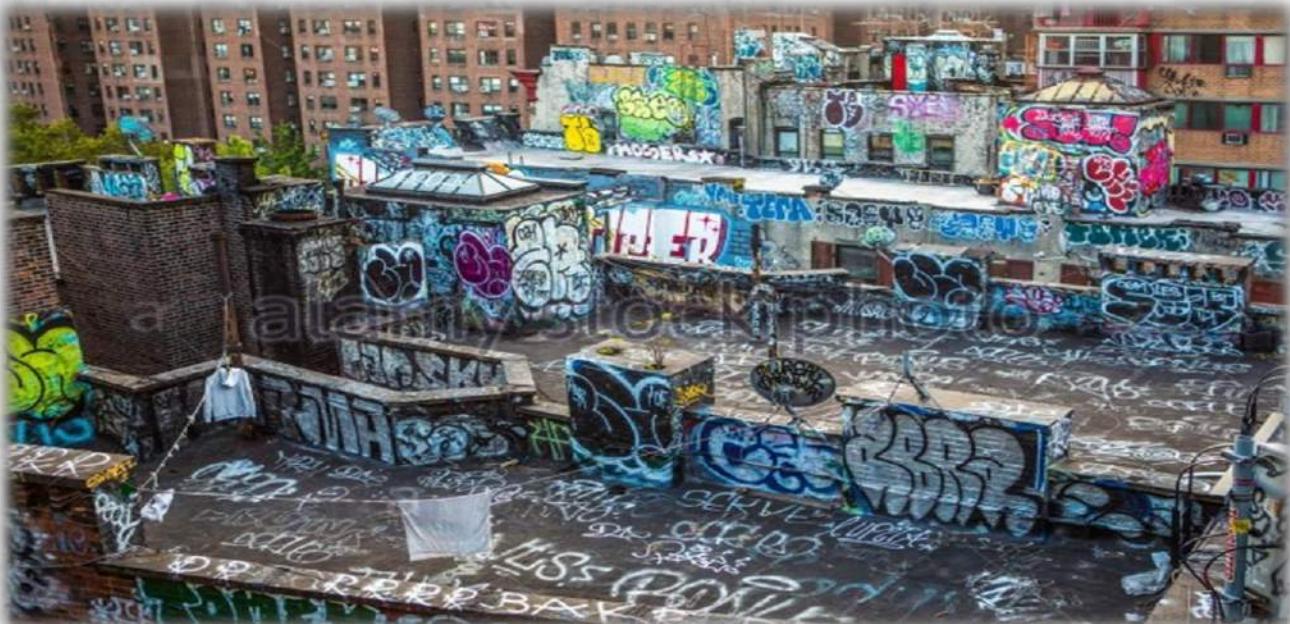
همراه با این جنبش جدید، بسیاری از نویسندهای
قدیمی برای انجام کار روی دیوارها از
بازنشستگی بیرون آمدند و همه آنها خیلی زیاد و
گستردۀ کار میکردند همه ۵ شهرک فعال بودند
اما بروکسل یکبار دیگر از همه پیشتر شد و اینبار
از طریق نقاشی‌های مورالش!

پشت بام هم یک مکان جذاب برای نویسندهای
تبديل شده بود. مخصوصاً پشت بام‌هایی که بلند
تر از بقیه بودند و از داخل مترو در خطوط بالا نیز
دیده میشدند.

نقاشی و اگن‌های فرسوده هیچ تهدیدی برای
پلیس مترو به شمار نمی‌رفت، اما دسته‌ای از
پلیس‌های خرابکار حمل و نقل، به امید این که
شاید در آنجا بتوانند برخی از نویسندهای تحت
بغایب و متواری را پیدا کنند به محل نگه داری
قطارهای فرسوده می‌رفتند چون احتمالاً برخی
از نویسندهای آنجا همان‌هایی بودند که روی
قطارهای تمیز و نو نیز گرافیتی کشیده بودند!
با همه اینها باز هم نقاشی کشیدن روی بدنه‌ی
واگن‌های فرسوده برای نویسندهای جذاب بود

راه‌های جدید:

بمبینگ در خطوط مترو خیلی مشکل شده بود
بنابراین برخی از نویسندهای مکان‌های جدیدی
برای دیده شدن جایگزین کردند یکی از این
مکان‌ها بزرگراه‌ها بود، هرچند که تحرک قطار
ها رانداشتند ولی روزانه هزاران اتومبیل از آنجا
عبور میکرد. از آغاز شروع نقاشی در بزرگ‌راه‌ها
امضای زنی، و نقاشی‌های سیاه سفید و نقره‌ای
ترو آپ‌ها و یا straight letters رواج داشت. از آغاز کنندگان نقاشی در بزرگ‌راه‌های
نیویورک سیتی OE و P13 بودند.



از مترو تا همه جا

نوشته‌ی احمد رضا بیدگلی

انتقال-جنبشهای:

در اوایل دهه ۸۰ هیپ هاپ منفجر شد و محبوبیت وحشتاکی پیدا کردا فیلم ها و موسیقی های راجع به فرهنگ خیابانهای نیویورک سیتی ساخته میشد که بسیار جذاب بود همه نوجوانان آمریکایی میخواستند BBoy شوندا(یعنی رقصنده‌ی بربک

دنس) MC , Breaker , Writer همه جا را گرفته بود. آن زمان خارج از شهر نیویورک سیستم حمل نقل قطار زیادی وجود نداشت ، اما نویسنده‌ها میخواستند نامشان را روی این سطح های فولادی بکشند پس دسترسی به قطار حمل و نقل یک هدف طبیعی بود ! پیدا کردن ریشه جغرافیایی جنبش حمل و نقل کار دشوار است اما میتوان گفت که در این جنبش نقشه و است کاست (ساحل غرب) خیلی زیاد و گسترده بوده است.

آن روی سکه

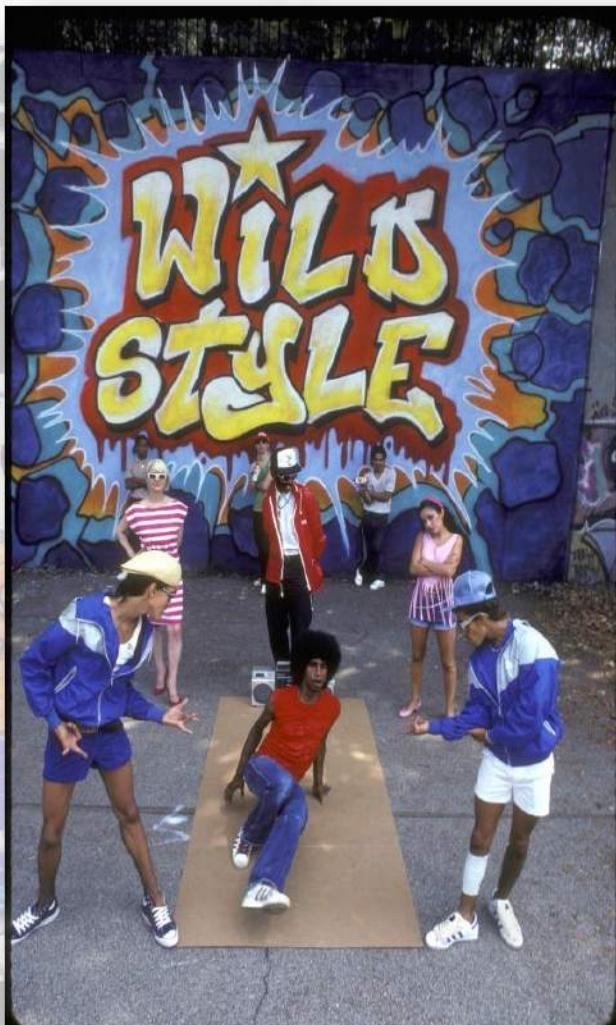
”اجازه بدهید بار دیگر کسی به عقب برگردیم و بینیم گرافیتی چگونه از نیویورک به خارج از آن محدوده راه یافت و چگونه فرهنگ نوشتن به جهان دیگر شد؟“

جنبشهای جهانی:

در اوایل دهه ۸۰ نویسنده‌گان گرافیتی آمریکا به کشورهای دیگر اروپا سفر کردند تا برای بدست آوردن محبوبیت بین المللی گالری های هنری و هیپ هاپ بروگزار کنند همین مسئله باعث شد هر خیابان های نیویورک را به دیگر مناطق جهان راه پیدا کند

جوانان اروپا عاشق فرهنگ خیابانی نیویورک شده بودند

کتاب مارتا کوپر به اسم هنر مترو (Subway Art) و فیلم «سبک جنگ» از تونی سیلور و هنری چالفنت و فیلم «ویلد استایل» از چارلی آهرن به پایه و اساس بلند پروازی اروپا تبدیل شد.



فرهنگ نیویورک سیتی بسرعت مورد تقلید قرار گرفت و فراگیر شده‌تری چالفت و جیمز پریگف با کتاب Spray Can Art جنبشی در سراسر جهان را ایجاد کرد. این کتاب مثل یک کاتالیزور اضافی سرعت گسترش هنر اسپری را در سطح جهان بالا برد!

در اوخر دهه‌ی 80 میلادی جنبش گرافیتی در اروپا شکل گرفت که خیلی هم قوی بودا نسل دوم اروپایی هایی که تحت تاثیر و فیک آمریکایی ها بودند!

اروپایی های تشنگ به رنگ در زادگاه هنر، امریکا برایشان بت شده بود و شدیداً تحت تاثیر امیریکا قرار گرفته بودند و بمبنیگی در اروپا رخ داد کاملاً شبیه و تحت تاثیر نیویورک امریکا!

نویسنده‌گان آمریکایی به اروپا سفر میکردند و حتی اروپایی ها تمام مخارج آنها از جمله بلیط هواپیما، اقامت و رنگ این نویسنده‌گان را بر عهده میگرفتند تا آنها به شهر و کشورشان ببایند، اینقدر سفر آمریکایی ها به ایتالیا و آلمان زیاد شده بود درست مثل این که از برکلین به برآکس سفر میکردند!



در اوایل دهه‌ی 1980 عکاس و هنرمندی بنام David Schmidlapp International اولین مجله گرافیتی بنام Graffiti Times را منتشر کرد که از آن زمان با توجه افزایش علاقه به گرافیتی به مرور بر تعداد این مجلات و نشریات نیز روز به روز اضافه شد اما بسیاری از رایتر ها یا نویسنده‌های گرافیتی به این نشریات انتقاد داشتند و آن را وسیله‌ی تا مشروع برای رسیدن به شهرت میدانستند و میگفتند: «یک رایتر واقعی با قطار بمبنیگ میکنه نه با مجله‌ها!» اما به هر حال این مجله‌ها به بخشی از فرهنگ نوشن تبدیل شدند و راه ارتباطی جامعه‌ی شدند که همواره برای برقراری ارتباط تلاش میکرد!

ویدیو:

در اوخر دهه‌ی 80 میلادی کارل وستون گرافیتی رایتری که با اسم مستعار 2 SAN فعالیت میکرد اقدام به تولید VideoGraf کردا و این اولین ویدیو سازمان یافته شده از گرافیتی کشیدن توسط نویسنده‌گان گرافیتی بود و مدت کوتاهی پس از آن مجموعه‌های مشابه توسط دیگران در سراسر جهان تولید شد.

فضای سایبری:

در سال 1994 اولین وب سایت مربوط به هنر گرافیتی با اسم ArtCrimes تاسیس شد و چند سال بعد صدها نفر از سر جهان اقدام به تاسیس وب سایت با موضوعات مشابه کردند این وبسایت های بیشتر از جانب بچه های خانگی اداره میشد که هرگز حتی نزدیک قطار هم نشده بودند و فقط از فضای امن اینترنت لذت میبردند!

البته فضای سایبری در بیشتر دیده شدن رایتر ها نیز تاثیر زیادی داشت و مانند سیستم مترو عمل کرد اما با مرزی های خیلی بزرگتر و لی نمیتوان انتظار داشت که بمبنیگ در اینترنت جای کار اصلی گرافیتی نویسی را بگیرد اما به هر حال این فضای مجازی به جنبه از فرهنگ نوشتمن تبدیل شد که امروزه هم در گسترش و انتشار کارهای گرافیتی نقش اساسی ایفا میکند

منبع اصلی: www.art149st.com

این مقاله حاصل ماه ها و شاید هم سال ها تحقیق و پژوهش
کفت و گو سایت 149st با گرافیت نویس های قدیمه ایرانی
و هنچین از مطالعه و جمع آوری اطلاعات او کتابیابی «نوشن
از زیرزمین» اثر 2 PHASE و David Schmidlapp
پرسی زیبایی از نقاشی های دیواری در سیستم مترو شهر
نیویورک» از حکا استوارت و همچنین کتاب «هنر مترو» اثر
هنری جالفنت و هارتا کوپر بوده است . سایت 149st کتابی
بنام «گرافیتی نیویورک» نیز منتشر گردد که به صورت دقیق
به گرافیتی تیویورک پرداخته است



گرافیتی در دام توریسین ها

علی امانی

روز روزنامه‌های آمریکا و به خصوص نیویورک گردید. روزنامه‌ها بطور باور نکردنی به تجلیل از مردی پرداختند که سفید پوست بود و در مقابل سیاهان که همواره منشاء جرم و جنایت هستند به مقابله برخاسته بودا چهار جوان سیاهپوست، از مرگ نجات یافته (یکی از آنان فلچ شد) و محاکمه جنجالی گوتز بالاخره به برائت وی از کلیه اتهامات به غیراز حمل غیرقانونی اسلحه انجمادی. داستان چریک مترو سمبل روزهای تاریک شهر نیویورک است. روزهایی که اپیدمی جرم و جنایت شهر را در بر گرفته بود.

در این میان شاید بدترین، کثیف ترین و خطرناکترین محل در نیویورک ایستگاههای مترو و قطارهایی بودند که میلیونها نفر را در روز جابجا می‌کردند. از سوی دیگر سیستم فرسوده مترو نیز مزید بر علت شده بود. روزی نبود که آتش سوزی در سیستم بوقوع نپیوندد و یا در جانی قطار از ریل خارج نشود. در زمستان واگن‌ها سرد و در تابستان گرم و نفس گیر بودند. هیچ یک از واگن‌ها تهیه نداشتند. باج گیری در ایستگاهها و در داخل قطارها امری روزمره و عادی بود. فرار از پرداخت پول بلیط رایج بود و سیستم مترو ۲۰۰ میلیون دلار در سال از این بابت ضرر می‌کرد. مردم از روی نرده‌ها به داخل ایستگاه می‌پریدند و یا ماشین‌ها را از قصد خراب می‌کردند و یکباره سیل جمعیت بدون پرداخت بلیط به داخل سرازیر می‌شد.

اما آنچه که بیش از همه به چشم می‌خورد گرافیتی بود. هر شش هزار واگنی که در حال کار بودند از سقف تا کف و از داخل و خارج از گرافیتی پوشیده شده بودند و روزی نبود که نقاشی‌های جدید بر روی واگن‌ها ظاهر نشود. گرافیتی کاران با خود در رقابت شدید بودند و گویی خط مترو به پر طرفدارترین محل برای رقابت آنها تبدیل شده بود. آن نقش و نگارها چهره‌ای غریب را در شهر بزرگ زیرزمینی نیویورک پدید آورده بودند. اینگونه بود وضعیت شهر نیویورک در دهه ۱۹۸۰ میلادی.

اما با آغاز دهه ۱۹۹۰ ناگهان وضعیت گوتز به یک نقطه عطف برخورد کرد. سیر نزولی گرافیتی آغاز گردید و جرائم کوچک

دسامبر سال ۱۹۸۴ است. سرما در نیویورک بیداد می‌کند. میزان قتل و تجاوز در نیویورک ۷۰٪ بیش از شهرهای دیگر آمریکاست. اپیدمی کرک (Crack Epidemic) و مواد مخدر شهر را در چنگال خود می‌فرشد. مرد جوانی به نام برنهارد گوتز (Bernhard Goetz) وارد ایستگاه مترو در تقاطع خیابان چهارده و هفده می‌شود. مردی باریک اندام و سی و چند ساله که شلوار جین بپا دارد و بادگیری نیز بر تن کرده است. چهار مرد جوان سیاه پوست بخشی از قطار را برای خود قرق کرده اند در حالیکه بقیه مسافران از ترس برخورد با آنان همه در گوش دیگر واگن نشسته اند. گوتز بی توجه به وضعیت، صندلی نزدیک به آنان انتخاب کرده و همانجا می‌نشیند. یکی از سیاهپوستان در حالیکه برخاسته و به سمت او حرکت می‌کند شروع به صحبت می‌کند. حال شما چطوره؟ بلاfacile سه جوان دیگر هم پشت سر او براه می‌افتد و تقریباً گوتز را در محاصره خود قرار می‌دهند. گوتز بسیار خونسرد از او می‌پرسد: چه می‌خواهی؟ مرد جوان سیاهپوست معطل نمی‌کند و بلاfacile می‌گوید ۵ دلار بده به من. گوتز خود را به نشیدن می‌زند. او دوباره تکرار می‌کند: گفتم ۵ دلار بده. گوتز دستش را در جیبیش فرو می‌برد و یک کلت کالیبر ۳۸ بیرون می‌کشد. لحظه‌ای هم تامل نمی‌کند. بسرعت بر ق و باد هر چهارتای آنان را مورد شلیک گلوله قرار می‌دهد. ظاهرا گلوله به یکی از آنان بنام "کیبی" برخورد نمی‌کند. کیبی روی زمین نشسته و التماس می‌کند. گوتز بالای سر او رفته و بسیار خونسرد می‌گوید مثل اینکه تو هنوز سالمی؟ اینهم یکی دیگر؛ و گلوله ای را که باعث گردید کیبی برای همیشه فلچ شود به سمت او شلیک می‌کند. مسافران در حالیکه در بهت و شوک پسر می‌برند با چشمهای از حدقه درآمده او را نگاه می‌کرند. در همان حال یکی از آنان ترمز اضطراری قطار را می‌کشد. با ایستادن قطار گوتز به آهستگی به سمت در خروجی حرکت کرده و در میان تاریکی تونل مترو گم می‌شود.

این ماجرا بازتاب گستردۀ ای پیدا کرد. چند روز بعد گوتز خود را به پلیس معرفی کرد و ماجراهی "چریک مترو" موضوع

لیکن همانطور که گفته شد در دهه ۱۹۹۰ میزان قانون شکنی در تمامی ایالات متحده رو به کاهش گذارد. نگاهی سطحی نشان می‌داد یکی از دلائل آن کاهش خرید و فروش کرک کوکائین (Crack Cocaine) بود که در بین معتادان و فروشنده‌گان مواد، انواع جرائم را دامن زده بود وضعیت اقتصادی بطوط چشم گیری بهبود یافت. ظهور کمپانی‌ها و داغ شدن بازار بورس و سر بر آوردن هزاران شرکت جدید بازار کار را داغ کرد و میزان بیکاری کاهش یافت. جمعیت رو به پیر شدن گذاشت و تعداد افراد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال که گرافیتی و اکثر بی‌قانونی‌ها به آنان نسبت داده می‌شد رو به کاهش گذارد.

اما مطالعاتی که انجام شد مطلب را پیچیده کرد. در دوره زمانی که نقطه عطف ظاهر گردید و به ناگاه میزان قانون شکنی در جامعه رو به کم شدن گذاشت هنوز وضعیت اقتصادی شهر بهبود نیافته بود. در واقع فقیرترین بخش‌های شهر نیویورک به خاطر قطع کمک‌های دولت و خدمات رفاهی بدترین ضربه را در سالهای آغازین ۱۹۹۰ دریافت کردند. کم شدن کرک حتماً عامل موثری بوده ولی مطالعات نشان داد که کاهش مصرف کرک سالها پیش از وقوع نقطه عطف جرائم آغاز گردیده بود. از طرفی آمار نشان می‌دهد به دلیل مهاجرت‌های سنگین در دهه ۱۹۸۰، تعداد جوانان در دهه ۱۹۹۰ نه تنها کمتر نشد، بلکه بیشتر هم شد. علت اصلی مهاجرت‌ها وضع اسقناک اقتصاد در شهرهای کوچک بود که مردم در آرزوی یافتن کار و نان به نیویورک هجوم آورده‌اند. از طرف دیگر تمامی این عوامل تاثیرات تدریجی در تغییر شکل اجتماع دارند در حالی که کاهش جرائم و خشونت در نیویورک ناگهانی و به سرعت اتفاق افتاد. درست مثل یک اپیدمی.

بنابراین باید عامل دیگری در کار می‌بود. باید توضیح دیگری برای این وضعیت پیدا می‌شد. این توضیح چیزی نبود مگر تئوری "پنجه شکسته"

مانند دزدی و غیره ۵۰ درصد کاهش یافت. در ایستگاههای مترو با پایان یافتن دهه ۱۹۹۰ دیگر اثری از آن واگن‌های پر نقش و نگار که سرتاسر پوشیده از گرافیتی بودند نبود. ۷۵ درصد جرائم از میان رفته بود. در سال ۱۹۹۶ وقتی گوئتز برای بار دوم بدليل شکایت کیبی، جوانی که فلچ شده بود به محکم فراخوانده شد روزنامه‌ها و مردم کمترین اعتنای دیگر به داستان وی نکردند، زمانی بود که نیویورک امن‌ترین شهر بزرگ آمریکا شده بود.

اما از سال ۱۹۹۰ تا نیمه این دهه جمعیت تازه واردی به این شهر نیامند و جماعتی که مسئول شر و خباثت بودند یکمرتبه به عزیمت جمعی دست نزدند. هیچکس در خیابان‌ها راه نیفتاد و بد و خوب را به مردم آموزش نداد. همان تعداد افرادی که اسپری به دست بر روی دیوارهای شهر و یا واگن‌ها گرافیتی می‌کشیدند هنوز در شهر وجود داشت. اما به دلیلی، ها هزار تن از کسانی که قانون شکنی می‌کردند به ناگاه دست از عمل خود کشیدند. در سال ۱۹۹۸ برخورد بین یک مسافر مترو و چهار جوان سیاهپوست بر سر ۵ دلار حادثه‌ای خونین آفرید ولی امروز دیگر وقوع چنین حادثه‌ای محتمل نیست. به راستی چگونه این اتفاق افتاد؟

همانطور که برخی پدیده‌های اجتماعی حالت اپیدمی به خود می‌گیرند، ناپدید شدن آنها نیز از همان قوانین تعییت می‌کند. آنچه که مالکولم گلدول (Malcolm Gladwell) در کتاب "نقطه عطف" (The Tipping Point) به عنوان یکی از عمدۀ ترین مختصات یک اپیدمی اجتماعی از آن یاد می‌کند، "قدرت محتوا پیام" (Power of Context) است. برای شیوع و همه جا گیر شدن یک پدیده اجتماعی مانند گرافیتی، شرط اصلی این است که پیامی که تازه از جا کنده شده آن چنان قدرتی را برخوردار باشد که بتواند لایه‌های مختلف اجتماع را به سرعت در هم نوردد. دقیقاً همان چیزی که گرافیتی از آن برخوردار بود. گرافیتی روشن بود سهل، برای انتقال پیام مستقیم و این قدرت را داشت که گرافیتی نویسان را به شهرت برساند.



تئوری پنجره شکسته

محصول فکری دو جرم شناس آمریکائی بود به اسمی جمس ویلسون (James Wilson) و جورج کلینگ (George Kelling)

در سال ۱۹۶۹، فلیپ زیمباردو (Philip Zimbardo)، استاد دانشگاه استنفورد، تجربه‌ای در حوزه روان‌شناسی اجتماعی به آزمایش گذاشت او یک خودروی بدون پلاک با کاپوت باز را در یک خیابان پرت در برونکس نیویورک (Bronx, New York) رها کرد و خودروی دیگر را درست با همان وضعیت در پالوآلتو یکی از محلات ثروتمند کالیفرنیا (Palo Alto, California) قرارداد. ماشینی که در برونکس بود، ظرف زمان کمتر از ده دقیقه مورد حمله قرار گرفت. وضعیت رها شده و پرت آن خیابان موجب غارت سریع ماشین شد. اما ماشینی که در پالوآلتو رها شده بود، بیش از یک هفته دست نخورده باقی ماند. در قدم بعدی زیمباردو آزمایش خود را جلوتر برداشت، طوری که یکی از شیشه‌های خودرو را در پالوآلتو شکست تقریباً در زمان کوتاهی و طی چند ساعت، عابرین شروع به برداشتن اشیا و چیزهای داخل خودرو کردند به طوریکه این بار کاملاً تمام قطعات و وسایل ماشین برداشته شد آنچه جالب بود، در هردو مورد درصد بالایی از غارتگران افراد خطرناکی نبودند.

این آزمایش، دو استاد جرم شناس دانشگاه هاروارد، جورج و جیمز رای بـ طرح و توسعه نظریه پنجره‌های شکسته در سال ۱۹۸۲ رهنمـون شد. این نظریه به صورت مقاله‌ای در نشریه آتلانتیک مانـتـلـی تـوـسـعـه اـین دـو مـنـتـشـر گـرـدـید. آـنـ هـا اـعـتـقـاد دـاشـتـنـد کـه بـی تـوـجـهـی بـه اـخـلـال دـر نـظـمـ عـمـومـی و اـعـمـالـ تـخـرـبـی چـونـ نـوـشـتـن و كـشـيـدـن اـشـكـالـ روـيـ دـيـوـارـهاـ، رـيـختـنـ زـلـهـ، تـخـرـيـبـ اـموـالـ عـمـومـیـ، گـدـايـ وـ وـلـگـرـدـيـ وـ جـرـايـمـ كـوـچـكـيـ اـزـينـ قـبـيلـ حـاكـيـ اـزـ عـدـمـ تـوـجـهـ بـه بـزـهـكـارـيـ اـسـتـ وـ مـوـجـبـ مـیـ گـرـددـ زـمـينـهـ بـرـايـ جـرـايـمـ مـهـمـ تـرـ فـراـهـمـ شـوـدـ. اـگـرـ يـكـ پـنـجـرـهـ شـكـسـتـهـ بـدـونـ تـعـمـيـرـ رـهـاـ شـوـدـ، مـرـدـ بـهـ اـيـنـ نـتـيـجـهـ مـیـ رـسـنـدـ کـهـ بـرـايـ هـيـجـ کـسـيـ اـهـمـيـتـيـ نـدارـدـ وـ کـسـيـ مـرـاقـبـ آـنـ جـانـيـسـتـ. سـپـسـ آـنـكـسـ کـهـ تـمـاـيـلـ بـهـ شـكـسـتـنـ قـانـونـ وـ هـنـجـارـهـاـيـ اـجـتمـاعـيـ رـاـ دـارـدـ بـاـ مشـاهـدـهـ بـيـ تـفـاوـتـيـ جـامـعـهـ بـهـ اـيـنـ اـمـرـ دـستـ بـهـ شـكـسـتـنـ شـيـشـهـ دـيـگـرـ مـیـ زـنـدـ. دـيـرـىـ نـمـىـ پـاـيدـ کـهـ شـيـشـهـ هـاـيـ بـيـشـتـرـيـ شـكـسـتـهـ مـىـ شـوـدـ وـ اـيـنـ اـحـسـاـسـ آـنـارـشـيـ وـ هـرـجـ وـ مـرـجـ اـزـ خـيـابـانـ بـهـ خـيـابـانـ وـ اـزـ محلـهـ اـیـ بـهـ محلـهـ دـیـگـرـ مـیـ رـوـدـ وـ بـاـ خـوـدـ سـیـگـنـالـیـ رـاـ بـهـ هـمـراهـ دـارـدـ اـزـ اـيـنـ قـرـارـ کـهـ هـرـ کـارـیـ رـاـ بـخـواـهـيـدـ مـجـازـيـدـ اـنجـامـ دـهـيـدـ بـدـونـ آـنـکـهـ کـسـيـ مـزاـحـمـ شـماـ شـوـدـ.



و صبح زود روی خط قرار دهد. به این ترتیب زحمت سه روز رفقا به هدر رفته بود. در حالیکه گان در بخش ترانزیت نیویورک همه چیز را زیر نظر گرفته ویلیام برتون (William Bratton) به سمت ریاست پلیس متروی نیویورک برگزیده شد. برتون نیز از طرفداران تئوری پنجره شکسته بود و به آن ایمانی راسخ داشت. در این زمان ۱۷۰۰۰ نفر در روز به نحوی از پرداخت پول بلیط می‌گریختند. از روی ماشین‌های دریافت ژتون می‌پریدند و یا از لای پرهای دروازه‌های اتوماتیک خود را به زور بداخل می‌کشانیدند. در حالی که کلی جرائم و مشکلات دیگر در داخل و اطراف ایستگاه‌های مترو در جریان بود برتون به مقابله با مسئله پرداخت بهاء بلیط و جلوگیری فرار مردم از این مسئله کم بها پرداخت. در بدترین ایستگاهها تعداد مامورانش را چند برابر کرد. به محض اینکه تخلفی مشاهده می‌شد فرد را دستگیر می‌کردند و به سالن ورودی می‌آوردند و در همانجا در حالیکه همه آنها را با زنجیر به هم بسته بودند سرپا و در مقابل موج مسافران نگاه می‌داشتند. هدف برتون ارسال یک پیام به جامعه بود که پلیس در این مبارزه جدی و مصمم است. اداره پلیس را به ایستگاه‌های مترو منتقل کرد. ماشین‌های سیار پلیس در ایستگاه‌ها گذاشت. همانجا انگشت نگاری انجام می‌شد و سوابق شخص بیرون کشیده می‌شد. از هر ۲۰ نفر یک نفر اسلحه غیر مجاز با خود حمل می‌کرد که پرونده خود را سنگین‌تر می‌کرد.

به عبارت ساده تر نظریه پنجره‌های شکسته عنوان می‌کند. که نظارت و نگهداری محیط‌های شهری در یک وضعیت خوب ممکن است از خراب کاری بیشتر و همچنین از تشدید جرم‌های جدی تری جلوگیری کند. در واقع می‌توان گفت ایده ای ساده اما قدرتمند پشت این ماجرا هست. این بود تئوری اپیدمی جرم که بنایگاه نظرات را به خود جلب کرد...

در میان تمامی مصائب اجتماعی که گربیان نیویورک را گرفته بود ویلسون و کلینگ دست روی نقاشی‌های گرافیتی، باج خواهی‌های کوچک در ایستگاه‌های مترو، و نیز فرار از پرداخت پول بلیط گذاشتند. آنها استدلال می‌کردند که این قانون شکنی‌های کوچک، علامت و پیامی را به جامعه می‌دهد که ارتکاب جرم آزاد است هر چند که فی نفسه خود این جرائم کوچک‌اند. حالا وقت آن بود که این تئوری در مرحله عمل به آزمایش گذاشته شود.

دیوید گان (David Gunn) به مدیریت سیستم مترو گمارده شد و پروژه چند میلیارد دلاری تغییر و بهبود سیستم متروی نیویورک آغاز گردید. برنامه ریزان به وی توصیه کردند که خود را در گیر مسائل جزئی مانند گرافیتی نکند و در عوض به تصحیح سیستمی پردازد که به کلی در حال از هم پاشیدن بود. اما پاسخ گان عجیب بود. "گرافیتی است که سمبل از هم پاشیده شدن سیستم است. باید جلوی آنرا به هر بهائی گرفت." او معتقد بود بدون برندۀ شدن در جنگ با گرافیتی تمام تغییرات فیزیکی که شما انجام می‌دهید محکوم به نابودی است. قطار جدیدی می‌گذارید اما بیش از یک روز نمی‌پاید که رنگ و نقاشی و خط‌های عجیب بر روی آن نمایان می‌شود و سپس نوبت به صندلی‌ها و داخل واگن‌ها می‌رسد. گان در قلب محله خطرناک هارلم یک کارگاه بزرگ تعمیر و نقاشی واگن بر پا کرد. واگن‌هایی که روی آنها گرفیتی کشیده می‌شد بالاصله به آنجا منتقل می‌شدند. به دستور او تعمیر کاران سه روز صبر می‌کردند تا بر و بجهه‌های محله خوب واگن را نقاشی کنند و هر کاری دلشان می‌خواهد بکنند بعد دستور می‌داد شبانه واگن را رنگ بزنند.

در کتابهایی که توسط روانشناسان محافظه کار به رشتہ تحریر درآمده از شکست پدر و مادرها و محیط مدرسه در آموزش ارزش‌های اخلاقی به بچه‌ها به عنوان عاملی در بار آوردن ناهنجاری‌های رفتاری یاد می‌شود. همینطور این روزها ژن را تا حدود ۵۰ درصد مقصر در رفتار هنجارشکنانه فرد می‌دانند. تئوری پنجره شکسته هیچ یک از موارد فوق را انکار نمی‌کند بلکه می‌گوید افراد هر اندازه هم که شرور باشند نسبت به موقعیت و آتمسفری که در آن قرار می‌گیرند حساس‌اند. این جو می‌تواند آنها را به سمت گونه‌ای از برداشت سوق دهد که اقدام به عمل تبهکاران امری مجاز شمرده می‌شود. با تغییر این فضای خصیصه‌های منفی و ادار به عقب نشینی می‌شوند.

اما قلب این نظریه اینجاست که این تغییرات لازم نیست بنیادی و اساسی باشد بلکه تغییراتی کوچک چون از بین بردن گرفتی و یا جلوگیری از تقلب در خرید بلیط قطار می‌تواند تحولی سرع و ناگهانی و اپیدمیک را در جامعه بوجود آورده و بناگاه جرائم بزرگ را نیز بطور باور نکردنی کاهش دهد. این تفکر در زمان خود پدیده ای رادیکال و غیر واقعی محسوب می‌شود. اما سیر تحولات، درستی نظریه ویلسون و کلینگ را به اثبات رساند.

هر بازداشت ممکن بود به کشف چاقو و اسلحه و بعض اقاتلی فراری منجر شود. مجرمین بزرگ بسرعت دریافتند که با این جرم کوچک ممکن است خود را به دردسر بزرگتری بیاندازند اسلحه‌ها در خانه گذاشته شد و افراد شرنیز دست و پای خود را در ایستگاههای مترو جمع کردند. همینطور با افزایش کنترل شبانه روزی پلیس و برخورد سخت با گرافیتی کاران، عده‌ای از اسپریچی‌ها فعالیت خود در خطوط مترو را قط کردند و تعدادی نیز که بر ادامه‌ی کارشان مصر بودند دستگیر شدند. کمترین خطای دردسر بزرگی می‌توانست در پی داشته باشد.

پس از چندی نوبت جرائم کوچک خیابانی رسید. درخواست پول سر چهار راه‌ها وقتی که ماشین‌ها متوقف می‌شدند، مستی و جرائمی از این قبیل که بسیار پیش پا افتاده به نظر می‌رسیدند موجب دردسر فرد می‌شد. تز جولیانی و برتون با استفاده از پنجره شکسته این بود که بی توجهی به جرائم کوچک پیامی است به جنایتکاران و مجرمین بزرگتری که جامعه از هم گسیخته است و بالعکس؛ مقابله با این جرائم کوچک به این معنی بود که اگر پلیس تحمل این حرکات را نداشته باشد پس طبیعتاً با جرائم بزرگتر برخورد شدیدتر و جدی‌تری خواهد داشت.





وافعاً گرافیتی یک ناهنجاری اجتماعی است؟ آبا وافعاً نیازمند چنین برخورد هایی می باشد؟ آبا در برخورد با قانون شکنی های دیگر نیز همین مقدار جدی و مصمم هستند؟

پاسخ هرجه که باشد باید این را بدانند که گرافیتی در نیویورک نیز بر خلاف سایر قانون شکنی های خرد دیگر که به شدت کاهش یافتند، از میان نرفت و رفته رفته پس از آن سالهای تاریکش دوباره همه گیر شد.

چیزی که همواره بوده و هست این است که یک گرافیتی آرتیست واقعی از هیچ قانونی تحت سیستم پیروی نمی کند بلکه همواره قوانین خودش را دارد. و این است راز بایداری گرافیتی ...

نویسنده: شهری شهید ثالث تحلیل گر سیاسی و روزنامه نگار مقیم کانادا

وبرایش و بازنویسی: علی امانی

پس از آن بحث های زیادی در علوم اجتماعی و مجتمع عمومی درگرفته و این تئوری به عنوان یک انگیزه برای اصلاحات در سیاست جنابی به کار گرفته شده است. این

نظریه منتقدان زیادی نیز دارد. یکی از انتقادهایی که بر این نظریه وارد می کنند دخالت بیش از حد، همراه با سخت گیری پلیس نسبت به شهروندان است. همچنین افزایش موارد سوءاستفاده پلیس از قدرت، موجب نارضایتی شهروندان و نهایتاً رودرزوی آنها با دولت را در بی خواهد داشت، در حالی که ضرورت همکاری مردم در مبارزه موثر با جرم در یک کشور، همواره امری اجتناب ناپذیر است.

با این وجود در تهران نیز به نظر می رسد مسولان حکومتی از این تئوری دده هشتاد نیورک بهره می گیرند. خصوصاً در برخورد با گرافیتی، طوری که امروز دوام کارها از جند هفته و جند ماہ در سال های گذشته، به جند ساعت رسیده. اما آیا

مختصری بر استنسیل گرافیتی

john fekner

اولین استنسیل گرافیتی در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا

آغاز شد و جان فکنر یکی از اولین هنرمندانی بود که هنر خود را به خیابان آورد تا به عموم نشان دهد.



RUN هنر خیابانی به نوعی اثر هنری گفت میشود که در مقابل اثار هنری رسمی موزها، کلیساها، مساجد، گالری‌ها، سر برورده اند.

هنرمندان خیابانی به صورت پنهانی و خودجوش فعالیت میکنند و اثار خود را با نام مستعار امضا میکنند و در اغلب موارد هویتشان همانند یک راز پوشیده باقی میمانند.

استنسیل نیز یکی از زیر مجموعه‌های هنر خیابانی است و به معنی شابلون است که امروز برای تزئین دکور و کاغذ دیواری و یا حتی تبلیغات کسب کارهای کوچک بر روی دیوار کوچه و خیابان شهر دیده میشوند ولی تفاوت عمدی‌ای با استنسیل گرافیتی که زیر شاخه‌ای از هنر خیابانی است دارد.

برای درست کردن استنسیل هنرمند با استفاده از عکس یا نقاشی طرح مورد نظر خود را بر روی مقوا، تعلق، کاغذ و غیره برش میدهد و با قرار دادن شابلون روی دیوار با قلمو و رنگ یا اسپری طرح مورد نظر را روی دیوار پیاده می‌کند.

استنسیل‌ها گاه به صورت تک لایه و گاه به صورت لایه‌های متعدد دیده میشوند که برای ایجاد عمق بصری بیشتر و استفاده از رنگ‌های متنوع از استنسیل‌های چند لایه استفاده میکنند. هنرمندان این سبک به موضوعات سیاسی، اجتماعی، به مسائل روز یا فقط به زیبایی اثرشان می‌پردازند و دور از سیاست و اجتماع از این هنر بهره می‌برند.



blek le rat

بلک له رت پدر استنسیل گرافیتی جهان است و اولین آرتیستی بود که سال ۱۹۸۱ استنسیل‌هاییش روی دیوارهای پاریس دیده شد که از

گرافیتی آرتیست‌های نیویورک الهام گرفته بود، او اولین کسی بود که استنسیل‌هایی در ابعاد واقعی انجام میداد و نماد او موش بود که تنها موجود آزاد در شهر محسوب میشود.

سـمـنـهـ

مختصری بر استنسیل کرافیتی

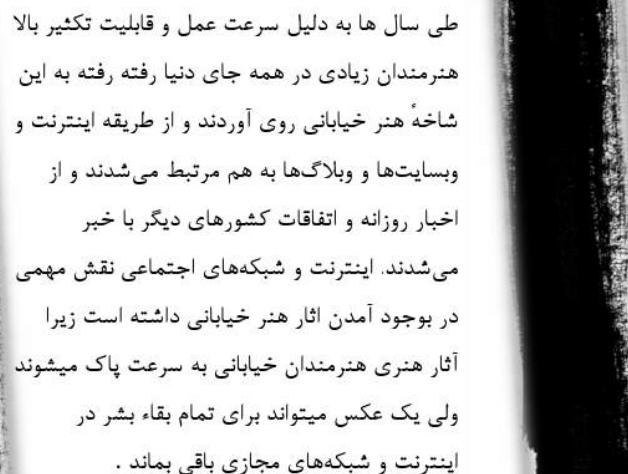
نوشته‌ی RUN



nick walker . banksy

نیک واکر یکی از معروف‌ترین هنرمندان دنیا است که دهه ۱۹۸۰ از استنسیل و فیری هند به صورت تلفیقی استفاده میکرده است و کارهای او دارای طنز و معنای سیاسی و اجتماعی را دنبال می‌کند که طرفداران بسیاری دارد، بعد ها نیز بنگسی از او و بلک له رت تاثیر پذیرفت و این سبک را ادامه داد، هم اکنون معروف ترین هنرمند خیابانی بنگسی است.

طی سال‌ها به دلیل سرعت عمل و قابلیت تکثیر بالا هنرمندان زیادی در همه جای دنیا رفته رفته به این شاخه هنر خیابانی روی آوردند و از طریق اینترنت و وبسایت‌ها و ویلاگ‌ها به هم مرتبط می‌شدند و از اخبار روزانه و اتفاقات کشورهای دیگر با خبر می‌شدند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در بوجود آمدن اثر هنر خیابانی داشته است زیرا آثار هنری هنرمندان خیابانی به سرعت پاک می‌شوند ولی یک عکس میتواند برای تمام بقاء بشر در اینترنت و شبکه‌های مجازی باقی بماند.



above

اباو یکی از هنرمندان آمریکایی است که دهه ۱۹۹۰ آغاز به کار کرده است و بالای ۶۰ کشور دنیا آثاری از خود باقی گذشته است و کارهای او نیز معانی محکم سیاسی را دنبال می‌کند.

C215

سی ۲۱۵ یکی از هنرمندان این سیک که ۲۰ سال فعالیت دارد و اهل فرانسه است در اکثر کشورهای دنیا اثر خود را به جا گذشته است، او از رنگها و لایه‌های بسیاری استفاده می‌کند و موضوعاتی که استفاده می‌کند آدمهایی مثل بچه‌ها یا کهنه سالان و بی خانمانان و گدایان هستند که بین مردم زندگی می‌کنند ولی کسی به آنها توجه نشان نمیدهد.

dot dot dot

دات دات دات یکی از آرتیست‌هایی است که از دهه ۱۹۹۰ آغاز به کار کرد و او اولین گرافیتی انجام میداد و از ۲۰۰۷ استنسیل را آغاز کرد و یکی از تاثیر گذارترین ارتیست‌های کشور نروژ است.

استنسیل در کشور ما

آغاز استنسیل در ایران به زمان انقلاب باز میگردد که با مضماین سیاسی و ضد دولت روی دیوارهای شهرنشست بست که همچنان نیز پیوای آن باقی مانده است. این استنسیل‌ها گاه جملاتی مثل آللہ اکبر یا مرگ بر شاه بود که با فوتی خوانان انجام میشد و یا تصاویری با کنتارست بالا از امام یا چهره‌های انقلابیون محبوب مردم بود که برخی اوقات این استنسیل‌ها روی تعلق‌های فیلمهای رادیوگرافی بریده میشدند. بعضی‌ها از خون خود برای دیوار نویسی استفاده میکردند که تاثیر بیشتری به بیننده القا میکرد. برخی دیوارها مانند سیاه مشق هایی مهیج سرشار از شعارهای روی هم نوشته و استنسیل‌ها و تصاویر در کنار هم قرار گرفته بودند.

یکی از اولین کسانی که بعد از انقلاب استنسیل گرافیتی را در ایران آغاز کرد با نام مستعار تنها (لون) آغاز به کار کرد که رفته رفته هنرمندان دیگری به او پیوستند مانند هوداک، سی کی وان، مگوی، سالومه، اولد نیک، لیدی گرین.

از آرتیست‌های دیگری که می‌توان امروز به عنوان بهترین‌های استنسیل گرافیتی جهان نام برد:

Snik , finbar Dac (findac) , zabou , E LK ,
martin whatson , shepard fairey ,
stinkfish , JPS
... , jef Aerosol , ortica noodles



۷

icy and sot

دو بردار تبریزی که در حال حاضر در نیویورک زندگی میکنند از سال ۲۰۰۶ استنسیل گرافیتی را آغاز کردند و موضوعاتی که کار میکنند حقوق بشر، عدالت، اجتماع و سیاست است.

اولین نمایشگاه انفرادی آنها سال ۲۰۰۸ بود و تا به امروز بیشتر از ۳۰ نمایشگاه گروهی و انفرادی در کشورهای متعدد از جمله: ایران، آمریکا، آلمان، چین، نروژ به نمایش گذشته‌اند. این دو برادر از جمله هنرمندان فعالی هستند که زندگی خود را به هنر خود اختصاص داده‌اند و متأثرترین هنرمندان ایرانی در این زمینه بوده‌اند. که باعث شدند افراد بیشتری به این شاخه قدم بگذارند.

مختصری بر استنسیل گرافیتی

نوشته‌ی RUN

III

هنرمند تبریزیه دیگری که از سال ۲۰۱۲ آغاز به کار کرد که محتوای آثار او شستشوی مغزی بشر، سانسور، خلقان و سیاست و اجتماع است. سپک کاری او پخت و به راحتی به خاطره استایل خاص کاراکترهایش قبل شناسایی است.



MAD

از جمله هنرمندان تبریزی که بعد از آیسی اند سوت استنسیل گرافیتی را آغاز کرد و کارهای او درباره مسائل اجتماع و سیاست است که مقداری طنز به همراه دارد، هنر او به خودی خود با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و از روح و صداقت پرخوردار است.

مجله گرافیتی زندگان



Nafir

نفیر فریادی درون دیوار است و در شهر تهران که قدم بزنید در گوش کنار شهر استنسیل واستیکرهاش دیده میشود، نمادی که نفیر استفاده می‌کند پروانه‌ای است که با طرحی از فرهنگ ایرانی در قالب اسلامی پر شده است. موضوعاتی که نفیر به آن می‌پردازد مضمین جدی از درد و تنهايی، کودکان، زنان و اجتماع است.



۳۷

Black Hand

دست سیاه در پایتخت فعالیت دارد، او به عنوانه بنکسی ایرانی در شبکه‌های مجازی و مجلات و روزنامها نامبرده شده است به دلیل آنکه دست سیاه علاقه شدیدی به سیک، سرعت بالا و موضوعات بنکسی دارد.

موضوعاتی که برای کارهایش انتخاب می‌کند مسائل اجتماع، سیاست، مسائلی که در خاورمیانه روی میدهد و سکسیسم است. او مخالف و گالری و نمایشگاه‌ها است و عقیده دارد عموم حق دیدن اثراً هنری را دارد.

ل

طی سالهای اخیر هنرمندان زیادی وارد این شاخه
هر خیابانی شدند

Frz, , Taha , moorche , RUN , mr.
killuminati , Rash , metz , Geo, worm
brain

و خیلی‌های دیگر امروزه فعالیت دارند.

موضوعات هنرمندان ایرانی معمولاً هنچارهای جامعه، مشکلات مردم و سیاست و دنیای پیرامون است چیزی که همه‌ی مردم باید به آن اگاه باشند.



چالش جدید

در گرافیتی ایران



این مشکل خوشبختانه در زمینه‌ی گرافیتی نویسی کمتر است چرا که هر رایتر کارش از زیبای بصری برخوردار باشد در همان نگاه اول مشخص است اما در سبک استنسیل کار کمی متفاوت است و آثار اگر گاهی از زیبای بصری خاصی هم برخوردار نباشد آن پیام و خالقیت نهفته در اثر به اندازه کافی کار را ارزشمند می‌کندا متأسفانه در این چند ماه گذشته فردی که خود را هترمند خیابانی می‌داند بخاطر کفرت کارش توجهات را تا حدی هم به خود جلب کرده، او ادعا می‌کند که در سال گذشته بیش از هزار اثر از خود به جای گذاشته است. آثاری که غالباً با شابلون‌های تک لایه، طرح‌های ساده تکراری و شبیه به هم که اکثراً بدون هیچ‌گونه پیام خاصی هم هست است از جانبی این فرد بر دیوارهای شهر تهران حک شده و از آنجا که به اسم هترخیابانی این تصاویر خلق شده است و با توجه به اینکه خالق آنها شدیداً پر کار و فعل هست، توانست مخاطبان کم سن و سال و نا‌آگاه را دور خود جمع کند به آنها جهت می‌دهد و مسئله‌ی بدتر از آنجا اتفاق خواهد افتاد که عده‌ی این‌گونه افراد را الگو قرار بدهند و به تولید استنسیل‌های مشابه برای کسب شهرت روی اورندا و این‌گونه هست که در غالب هتر خیابانی در اصل تیشه بر ریشه‌ی هتر خیابانی می‌زنند و ارزش این هتر را با این آثار ضعیف و بدون خالقیت پایین می‌آورند امیدواریم که با انتقادهای سازنده هم این فعالان خیابانی به خود بپایند و هم مخاطبان هتر خیابانی حرفة‌ای تراز قبل دنبال کننده‌ای این هتر باشند.

دیدن نیست و هترمندان استنسیل کار واقعی که غالباً با دغدغه‌های اجتماعی و گاهای سیاسی فعالیت می‌کنند هرچند که برای خلق آثارشان روی دیوار در اکثر مواقع به مدت زمان کمتر و هزینه کمتری نسبت به رایترها نیاز دارند و راحت تر از آنها می‌توانند هترشان را در هر مکانی به نمایش بگذارند اما در نهایت آثارشان با ایده‌های ناب و ذهن خلاقی که دارند آمیخته می‌شود که همیشه پیامی برای جامعه در بر دارد، با احترام به همه هترمندان واقعی این عرصه بطور مثال اثر معروف هترمند خیابانی "ژنو" در مورد بحران اب را بخاطر بیاورید که تا سال‌ها به عنوان یک اثر فوق العاده‌ی خیابانی بازتاب خبری داشت و از طرفی دیگر این اثر از حیثیت هتر ناب خیابانی نیز دفاع میکردا هرچند که کمیت هم نقش مهمی در بالا آمدن هترمند خیابانی دارند اما این کیفیت است که فرد را هترمند می‌کند و نه کمیت! موضلي که این روزها هترمندان ایران را وارد یک چالش کرده است خلق استنسیل‌های بی محتوا و متعدد از جانب برخی افراد است و چون تکنیک و شکل ظاهری و سبک این "آثار پوج و بی محتوا" کاملاً شبیه به استنسیل‌های واقعی و با محتوای سابق بوده است پس طبیعی است که مخاطب کم اطلاع متأسفانه قادر به تشخیص این دو دسته از هم نباشدا و همین می‌شود که خالقان این دسته‌ی نو ظهور در استنسیل کم در این عرصه یک چهره می‌شوند اما

احمدرضا بیدگلی در دنیای هتر زمینی و خیابانی با توجه به این که رسانه‌های قوی و معابر کمتر وجود دارند مخاطب سخت تر میتواند آگاهی و شناخت درست از آنچه که علاقه مند به دنبال کردن آن هست یعنی هتر خیابانی پیدا کندا همین می‌شود که افرادی که کارهایشان اصلاح مولفه‌ها و فاکتورهای لازمه‌ی هتر خیابانی را ندارد در این میان مطرح می‌شوند و هر روز بیشتر از قبل دیده می‌شوند متأسفم که باید بگوییم سرعت تکثیر و رشد این "هترمندان"‌ها نیز بسیار بالاست چرا که بیفکرانه و غالباً فقط با یک اسپری مشکی و یک عکس رادیولوژی شابلون شده در شهر را می‌افتند و با کمترین فکری بیشترین رد را از خودشان بر جای می‌گذارند و بعد با انتشار این آثار بی محتوا، پوج و سطحی در فضای مجازی با هشتک هنرا هترخیابانی و گرافیتی خودشان را به این جریان وصل می‌کنند و مردم بی اطلاع دنبال کننده آنها می‌شوند این مستله در دنیاک است، شدیداً در دنیاک است وقتی که می‌بینی هترمندان واقعی خیابانی اثارشان در لا به لای این همه هجومیات و سروصدای الکی کمتر دیده می‌شود اما هترمندان واقعی خیابانی اگر رایتر باشد که برای خلق یک اثر مدت‌ها وقت صرف طراحی می‌کنند، به تعداد زیادی اسپری نیاز دارند که هزینه بالای اسپری هایشان هم به کنار، برای خلق یک اثرشان روی دیوار نیازمند وقت کافی هستند که بتوانند با آسوده خاطر کارشان را انجام دهند پس ناچار هستند به کانال‌ها و مکان‌های پرت و دور از دسترس رجوع کنند که برای عموم مردم هم قابل

گرافیتی و رپ

علی امانی - گرافیتی و موسیقی رپ به عنوان زیرمجموعه‌هایی از هیپ هاپ همواره رابطه‌ای نزدیک به هم داشته‌اند و از منظر جامعه شناختی تا نحوه‌ی لباس پوشیدن در آن، بسیار شبیه به هم هستند.

اما (به طور خاص تر در ایران) این همواره گرافیتی بوده که تحت تاثیر خوانندگان رپ قرار داشته و حتی فراتر از آن، در مواردی (توسط افراد مطرح) اثر اجرا شده که گویی گرافیتی یک ابزار پس زمینه‌ای در اختیار موسیقی رپ است.

این خود ممکن است با توجه به تاثیرگذاری و پختگی بیشتر رپ در قیاس با گرافیتی ایران، امری اجتناب ناپذیر باشد. با این وجود چیزی که مسلم است این دو عنصر برخاسته از خیابان می‌توانند مکمل یکدیگر باشند، لیکن نه به گونه‌ای که از ارزش‌های دیگری کاسته شود.

گرافیتی به خودی خود این پتانسیل را دارد که یک انقلاب هنری به وجود بیاورد و برخلاف خاستگاهش از جایگاه والایی برخوردار است پس نباید آن را دستمایه‌ی افرادی قرار داد که انتشار دهنده‌ی فرهنگ لمپنیسم در عرصه‌ی هیپ هاپ هستند.

به یاد دارم هنرمندی در جواب رد به یک رپکن که از او خاسته بود برایش نقاشی گرافیتی بکشد چنین گفته بود: "هر وقت تو یک آهنگ برای من خواندی، من هم یک گرافیتی برای تو می‌کشم".

این حرف از مدت‌ها پیش در خاطرم مانده بود و همین جمله‌ی ساده، گرافیتی را برایم به نوعی ارزش گذاری کرد.

ارزشی که این روزها با سوءاستفاده از نام گرافیتی، با آشکال مختلف در حال شکسته شدن است. البته باید دانست ناخالصی همواره در هر زمینه‌ای وجود دارد و نهایتاً مردم هستند که باید خوب و بد را تشخیص دهند.

احمدرضا بیدگلی - افغانستان کشور است که همیشه با خاطر جنگ و تروریسم و طالبان و مواد مخدور در سطح دنیا شناخته شده است اما امروز جوانان خوش ذوق و هنرمند افغان با هنر گرافیتی جهره‌ای متفاوتی از کشورشان را به جهان نشان میدهند و اینجاست که گرافیتی راهی برای مبارزه با تروریسم می‌شود، راهی برای رسیدن به صلح و تغیر! و البته شاید تسکینی بر زخمهای مردمی که روزگار سخنی را سیری می‌کنند!

گرافیتی افغان

"حدود سی هنرمند جوان که اکثر آنها دانشجویان هنر هستند در این کمپین گرافیتی شرکت کرده‌اند. ما در ماه فوریه کارگاهی برای آموزش هنر خیابانی به آنها برگزار کردیم و در ماه مارس دیگر ما ۳۳ هنرمند گرافیتی کار داشتیم که در یازده محل متفاوت که انتخاب شده بود و محل عبور و مرور مردم بود کار خود را آغاز کنند. طالبان ما را تهدید کرده است و گفته کاری که انجام می‌دهیم علیه اسلام است. من و باقی هنرمندان تهدیدهایی روی گوشی تلفن خود دریافت کرده‌ایم اما ما ادامه خواهیم داد. من دفاع و یا حمایت امنیتی خاصی ندارم تنها سعی کرده‌ام که رفت و آمدم را کم کنم تا از خودم دفاع کنم. چیزی که مهم است آن است که صدای ما به مردم قندهار برسد.

اولین واکنش‌ها به گار ما بسیار مثبت بوده است و مردم به شدت نسبت به گارهای ما ایراز علاقه کرده‌اند. بسیاری از مردم در زمانی که ما در حال گار بوده ایم عدام از ما درباره گارمان، شکل کار و البته پیامی که منتقل می‌کنیم سوال می‌پرسند."



با ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله موضوعات گرافیتی‌های این گروه است. حتی این گرافیتی‌ها با موضوع صلح و شرکت در انتخابات پایش به شهر قندهار نیز باز شد جایی که به شدت حضور نیروهای طالبان در آنجا پر رنگ است!

در روزهای منتهی به انتخابات افغانستان که تهدیدهای طالبان هر روز شدیدتر از روز قبل می‌شد عدد ای جوان در مرکز ولایت بلخ در شهر مزار شریف سعی کردند بدون توجه به تهدیدهای طالبان با هنر گرافیتی مردم را ترغیب کنند تا در انتخابات شرکت کنند ابتدا یک هنرمند گرافیتی افغان کارگاه آموزش گرافیتی برای جوانان شهر مزار شریف برگزار کرد تا هنرمندان گرافیتی این شهر به تعداد قابل قبولی برسند، آنها می‌گویند که تلاششان برای جلب توجه مردم به انتخابات دو هدف دارد اول تشویق جوانان به رای دادن و دیگر یعنیکه به مردم بقولانند که رای دادن آنها در تعیین سرنوشت‌شان تاثیر دارد.

(این در حالیست که طالبان همیشه تمام تلاش خود را برای برهم زدن انتخابات در افغانستان انجام می‌دهد و در این راه از کشتن هیچکس دریغ نمیکنند)

از دل همین کارگاه‌های آموزشی گروه گرافیتی "تاللو" توسط عددی دختر و پسر جوان در شهر مزار شریف ایجاد شد که این گروه بیشتر به مسائل اجتماعی می‌پردازد و پیام‌هایی در حمایت از حقوق زنان و مبارزه



از طرف دیگر کلاس‌های آموزش‌گرافیتی در مزار شریف تدوام یافت دوره‌ای دوم این کلاس‌ها نیز برگزار شد که در مدت 45 روز کار آموزان آموزش‌های نظری و عملی را در زمینه هنر گرافیتی می‌دیدند. برگزار کنندگان این کلاس‌ها می‌گویند که هدف این کارگاه آموزشی ترویج صلح و بیان مسائل آمیز از راه گرافیتی است. در نهایت حتی چند ماه پیش اولین نمایشگاه گرافیتی نویس افغان در شهر مزار شریف نیز دایر شد!

در ماه سپتامبر سال 2014، شیمسیه حسنی برای دریافت جایزه «Artraker Award» نیز نامزد شده بود. این جایزه، جایزه‌ای است که از طرف یک مجتمع انگلیسی برای صاحبان آثار هنری بصری داده می‌شود، برای هنرمندانی که در آثار خود جنگ و خشونت‌های مسلحه را بازتاب می‌دهند! شیمسیه حسنی بیشتر آثارش در مورد صلح و کارهای هنری اش می‌گوید که او آثار هنریش را برای آوردن یک تغییر مشبت طراحی می‌کند و خاطرات بد جنگ را به تصویر می‌کشد.

برقع

در آثار هنری شیمسیه، بیشتر زنان برقع پوش بازتاب یافته‌اند. برقع، یک پوشش سنتی و یکی از ویژگی‌های زنان افغانستان است که اکثراً در رسانه‌های غربی به عنوان یک ظلم و خفغان آشکار علیه زنان انکاست داده شده است. اما شیمسیه خود برقع نمی‌پوشد، ولی با انجام کارهای هنری خویش، از آن حکایت می‌کند. وی در این مورد چنین می‌گوید: «من با سبک مدرنیست، زنان برقع پوش را روی تاریکی را بیابم و می‌خواهم درچه ای به روی آرزوهای زندگی آن‌ها بگشایم». این هنرمند هم چنان می‌افزاید: «مردم دنیا اکثراً به این باور اند که [تنها] برقع یک مشکل است. به باور آن‌ها، زنان اگر برقع را بردارند، دیگر برای آن‌ها مشکلی وجود

اما گرافیتی افغانستان فقط به همین طرح‌های ساده خلاصه نمی‌شود! «شیمسیه حسنی» بدون شک اولین و بهترین هنرمند گرافیتی افغانستان است که شهرتش به خارج از مرزهای افغانستان نیز رسیده است! شیمسیه متولد 1988 است او در تهران متولد شد و خودش می‌گوید که بخارطه ملیتیش نتوانست در ایران و در دانشگاه ادامه تحصیل بدهد بنابراین به کابل رفت و در دانشگاه هنر های زیبای کابل تحصیل کرد او در حال حاضر جوان ترین استاد دانشگاه هنر در کابل است که محیط دانشکده و جاده‌های کابل، با آثار هنری وی تزیین داده شده اند. هم‌چنین او در چندین فیلمیوال هنری در کشورهای آلمان، سوئیس و دانمارک شرکت کرده است و نمایشگاه‌های از آثارش در کشورهای مختلف مانند امریکا استرالیا حتی ایران و چند کشور دیگر نیز برگزار کرده است! شیمسیه حسنی در سال ۲۰۰۹، برای دریافت جایزه هنر معاصر افغانستان، از میان ۱۰ هنرمند برتر افغانستان برگزیده شد. اما او هنر خیابانی را از سال 2010 از یک کارگاه گرافیتی در کابل شروع کرد، زمانی که شخصی به نام Chu از ایالت متحده آمده بود تا این هنر را به جوانان افغان یاد دهد.



ندارد. در حالی که این باور واقعیت ندارد. وقتی که زنان به تحصیل دسترسی نداشته باشند، این مسئله یک مشکل بزرگ در مقابل برداشتن برقع است. ما باید خود را روی یک مشکل بزرگ متمرکز کنیم».

رویای گرافیتی

در کارهای شمسیه، شوق و رغبت موج می‌زند؛ اما انجام چنین کاری در جاده‌های کابل دشوار است. در افغانستان، به خصوص برای یک دختر که همواره با دیدگاه‌های سنتی

برمی‌خورد. باورهای مردم در قبال کارهای هنری شمسیه متفاوت‌اند. بعضی‌ها به آثار وی را با دید تخریب گری و ویران گردی می‌بینند و تعدادی هم می‌گویند که جای زنان در خانه است. خود او نیز در مجله‌ی هنری «Art Radar»

در این باره چنین گفته است: «من برای انجام کارهای گرافیتی ام همیشه، فرصت مناسب و موقعیت مناسب نمی‌توانم پیدا کنم، بنابراین کارهایم را به صورت زنیال هم در دو ماه یا سه ماه انجام می‌دهم. گاهی به دلایل امنیتی و گاهی هم به خاطر موانعی که مردم برایم خلق می‌کنند، نمی‌توانم کار را راحت و سریع انجام دهم».

وی تمام این موانع را نادیده می‌گیرد و راه دیگری را برای تمایش طرح‌های خود پیدا کرده است، آن‌چه که وی آن را «رویاهای گرافیتی» می‌خواند. بر این اساس، او پیش طرح‌های خود را روی یک سطح می‌کشد و در جاهای مختلف کابل نصب می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «من یعنی پیش طرح‌های گرافیتی را می‌توانم در استدیوی خودم روی این تصاویر با قلم نازک (pinceau) انجام دهم. برای من، این فقط یک رویای گرافیتی است، آنچه در باورهایم وجود دارد، به این شیوه عنیت نمی‌یابد».

منحصر به فرد ترین ها

شکوفه بوا_تصور خیلی از مردم از هنر خیابانی هنری است که فرد "حتماً" باید با "اسپری رنگ" روی "دیوار" طرحی به "نگارش" در آورده! این تعریف یا تصویر هرچند غلط نیست اما کامل هم نیست! بهتر است هنر خیابانی را "مجموعه از آثار هنری که در خیابان به نمایش عموم گذاشته می‌شود بدانیم." در این مقاله سعی کردیم چهره‌ی متفاوتی از هنر خیابانی را به شما نشان بدهیم که شاید کمتر دیده باشید، ما شما را با هنرمندانی آشنا می‌کنیم که درک این تعریف کامل از هنر خیابانی را برای شما ملموس تر می‌کنند، هنرمندانی که می‌توان به آنها لقب «منحصر به فردترین»‌ها در دنیای هنر خیابانی را نیز داد:



دیوید زین - David Zinn

هنرمند آمریکایی که کارش در زمینه‌ی هنری را از سال 1987 در آن آربور و اطرافش شروع کرد، در ابتدا یک هنرمند معمولی بود که از هنرشن فقط برای کسب درآمد استفاده می‌کرد و طراحی لوگو، پوستر، ساختن کارتون‌های آموزشی و حتی طراحی بسته‌های شکر و تخم مرغ از جمله کارهایی بود که دیوید زین انجام میدادا اما اتفاقی که دیوید را در سطح جهانی شناخته شده کرد تحولی بود که در سال 2001 در دیوید رخ داد یعنی زمانی که دیوید خیلی اتفاقی وارد عرصه هنرهای خیابانی شد! دیوید زین معمولاً بصورت فی الدهاهه نقاشی‌های سه بعدی و کارتونی خیلی کوچک در گوش و کنار شهر خلق می‌کند او این نقاشی‌ها را با گچ و ذغال و هر اشیائی که پیدا کند انجام میدهد.

منحصر به فرد ترین ها
نوشته‌ی شکوفه بوا

بیشتر آثار خیابانی دیوید زین در
پیاده رو های آن آبر و در میشیگان
دیده شده است، زمانی که اولین
عکسها از اثارش در فضای مجازی
 منتشر شد دیوید زین به دنیا معرفی
شد!



ایساک کوردا - Isaac Cordal

ایساک متولد 1974 و یک عکاس و مجسمه ساز اسپانیایی است. او در دانشگاه هنرهای زیبای پونته ودرا در رشته‌ی مجسمه سازی تحصیل کرد و است و دلیل اینکه ما او را بعنوان یکی از خاص ترین هنرمندان خیابانی میدانیم همین مجبم های اوست! ایساک کوردا با خلاقیت و هوشمندی خاصی مجسمه های مینیاتوری از جنس سیمان میسازد و آن را در فضای شهری قرار میدهد و از آنها عکس برداری میکند، این مجسمه های 15 سانچی متري را میتوان چسبیده به بالای ایستگاه اتوبوس و دیوارها لبه‌ی پشت بامها و دیوارها... یافت! مجسمه های ایساک هدفمند و او بیشتر به منظور تاثیر گذاشتن بر سیاست، تاسیسات اداری و صاحبان قدرت این مجسمه ها ساخته و آنها را در موقعیت های پوچ مختلف در فضای شهری قرار میدهدا البته ایساک نمایشگاه های متعددی نیز از آثارش در شهرهای مختلف برگزار کرده است



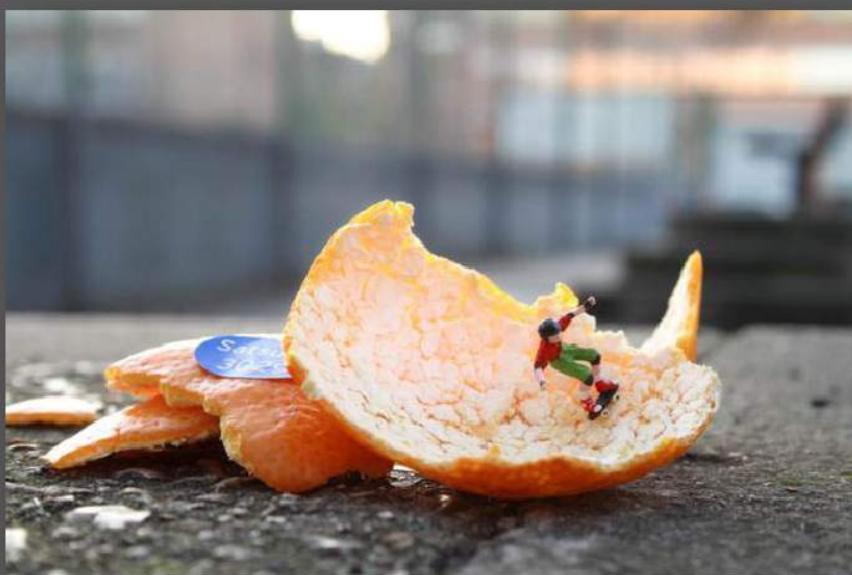
منحصر به فرد ترین ها
نوشته‌ی شکوفه بوا



مجسمه‌های ایمیک در شهرهایی چون بروسل، لندن، برلین، زاگرب، نانتس، سن جوز، بارسلونا، وین، مالمو، میلان، پاریس، بوگوتا و ... به نمایش گذاشته شده‌اند. آثار ایمیک بیانگر تامل انتقادی در ایده‌ی پیشرفت و بدیختی بشر و تغییر دمای کره‌ی زمین و کاهش تدریجی ارزش وجودی ما انسانها در کنار دیگر است. این مجسمه‌های کوچک که در درجه اول بیانگر کلیشه‌های اجتماعی است در کنار مردان بازრگان یا تجار، که لباسهایی شامل کت و شلوار پوشیدند و میانسالند و کیف سامسونت پدست دارند. ایساک همچنین آثار حیرت انگیزی در زمینه‌ی بحث گرم شدن دمایی کره‌ی زمین از خود بجای گذاشته است که شاید مهمترین این آثار تصویر مجسمه‌های شناور در سال 2011 در کشور آلمان در شهر برلین باشد که همچون ویروسی همه جا پخش شد و در رسانه‌ها و فضای مجازی سر و صدای زیادی کردا

دیگر ایده و پژوهه موفق ایساک کوردل مجسمه‌های توری فلزی هست این مجسمه‌های عجیب به این منظور ساخته شده‌اند که سایه آنها طرح اصلی را نمایان کندا





اسلینکاچو – Slinkachu

Slinkachu متولد 1979 از جمله هنرمندان خیابانی بریتانیایی که عکاس و وبلاگ نویس نیز هست. او نیز مانند ایساک کوردل با آدمک‌های کوچکی که از سال 2006 در سطح شهر قرار داد مطرح شد اما با این تفاوت که خود خالق آدمک‌هایی نیست بلکه او با بازسازی و رنگ‌آمیزی مدل‌های مینیاتوری قطارهای بازی این کار را انجام می‌دهد.

اسلینکاچو معتقد است که او کارش هم یک پروژه نصب و راه اندازی هتر خیابانی است و هم یک پروژه عکاسی. بخش خیابانی کار او بمنظور تعجب و تشویق ساکنین شهرها بمنتظر به توجه کردن محیط اطرافشون است. صحنه آرایی‌های او در عکس برداری هایش و همچنین عنوانی که برای هر اثرش انتخاب میکند با هدف م نعکس کردن تنها ای انسانها و ارزشها است که با زندگی در شهرهای بزرگ تقریباً از دست رفته است. البته او در پس این مفهوم همیشه مقداری شوخ طبعی را چاشنی کارش میکند چون میخواهد مردم با آدم ک هایش احساس همدردی کنند.

OAK OAK

یکی از مشهورترین هنرمندان خیابانی که این روزها هر روز اسمش بیشتر شنیده می‌شود، یک هنرمند خوش ذوق فرانسوی که از سال 2006 کار در زمینه‌ی هنر خیابانی را آغاز کرد و کم کم توانست با سبک خاص و ذهن خلاقش سر و صدای زیادی در جهان به پا کند.

او مانند هنرمندان قبلی پیرو یک استایل مشخص و محدود نیست او گاهی از مجسمه‌ها و آدمکهای کوچک استفاده می‌کند گاهی چیزی بر اشیاء محیط می‌افزاید و گاهی هم نگارشی روی آن‌ها انجام میدهد ا هرچند اطلاعات شخصی خاصی از این هنرمند در دسترس نیست و هویتش نیز نسبتاً پنهان است اما «مجله گرافیتی ایران» مصاحبه و گفت و گویی صمیمانه‌ای با این هنرمند داشته است که در ادامه می‌توانید مشاهده کنید.



-کدوم کارا تو بیشتر دوست داری؟

کینگ کانگ کوچولوم و جیع که اثر هنرمندی به اسم مانج هست رو خیلی دوست دارم.

-ناحالا با مردم یا پالیس به مشکل برخوردی؟

هنوز که نه ولی یک کارخونه‌ی متروکه بود که فکر کرده بودن برای دزدی اونجا رفتم ولی وقتی فهمیدن میخام نقاشی کنم ازم خواستن اونجا رو ترک کنم.

برات اهمیت داره کارایی که تو خیابون انجام میدی زمان بیشتری اونجا بمنه؟
نه درواقع این موضوع رو دوست دارم و کارای خیابونیم فقط زمان کوتاهی باقی میمونه و باعث میشه که ایده های جدید و کارهای جدید جایگزین بشه و ادامه بدم.

با اینکه کارهایی با سایز گوچیک انجام میدی و فوق العادن ولی دوست داری روی دیوار های بزرگ اثر خلق کنی؟

نوامبر گذشته استردادم بودم و تو فرودگاه هر کاری میتونستم بکنم و ومن یه کاپ کیک بزرگ روی مکان خاص انجام دادم پس میبینی درواقع من نیازی به دیوار ندارم و دوست دارم با فضا بازی کنم برآم سخته که روی یه دیوار سفید کار کنم تا یه دیواری که پر از سوراخ یا ترک باشه.

-چجوری اولین کار تو شروع گردی؟ کسی یا چیزی الهام بخش بود برات؟

اولین کارم را روی یک کپسول اتششانی انجام دادم و با گذاشتن دوتا چشم و دهن زنده تر شده بود و بعد از اون این کار رو ادامه دادم و فضارو جوری که دوست داشتم تغییر میدادم به اثربه که دوست دارم.



گفت و گو با OAK OAK

هنرمند مشهور خیابانی فرانسه

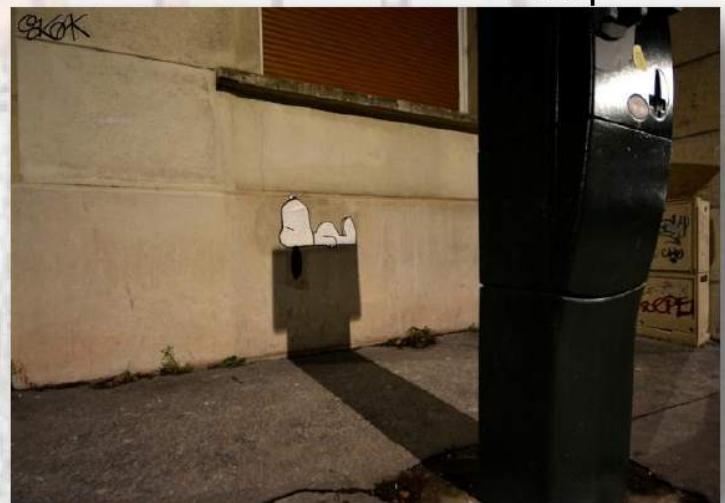
-خب oak oak کی هنر خیابانی را شروع گردی؟

OAK OAK من سال 2006 بود که شروع کردم ولی اولاً خیلی جدی نبودم.

-چجوری ایده‌اتو پیدا و انتخاب میگنی؟

هر روز زمان زیادی را قدم میزنم تو شهر خودم یا هرجای دیگه ای که باشم و به همه جا نگاه میکنم، هر چیزی که رو زمین یا دیوار باشه و بعضی اوقات یه مکان خاص باعث میشه ایده ای به ذهنم برسه ولی میتونم همون مکان رو هزاران بار دیده باشم و هیچ ایده ای نداشته باشم ولی میدونم که بالآخره یه روز بهم الهام میشه که چه کاری اون مکان انجام بدم.

OAK OAK
RUN



-موسیقی دوست دارم. نمیتونم بدون موسیقی کار کنم و خیلی سبک راک دوست دارم ولی همه‌ی سبک هارو گوش میدم. هفته‌ی پیش یه صفحه‌ی گرامافون از اهنگ‌های راک دهه‌ی 70 ایران خریدم که عالیه. عاشق سفر کردنم هرجایی تو دنیا مخصوصان جاهایی که متوجه هستند چون فضای خوبی دارند. و عاشق فوتبال و اسکیت هم هستم.

-دوست داری تو 10 سال اینده چیکار گنی؟ برنامه‌ای داری؟

امیدوارم بتونم سفر کنم و وادمای جدید و بشناسم و کارای جدید انجام بدم. و امیدوارم مثل 10 سال پیش که شروع کردم هتر خیابونی رو ادامه بدم و هو روز ازش لذت ببرم.

-کسی که امروز هستی و زندگیتو دوست داری؟

من خوشحالم و امیدوارم وقت بیشتری برای سفر و انجام پروژه هام داشته باشم و زندگیمو دوست دارم.

-خب سوال اخر oak aok اینه که چیزی دوست داری به افراد یا هنرمند هایی که این مصاحبه رو میخونن بگی؟

مهمترین چیز اینه که کارتونو با افتخار انجام بدم و لذت ببرید. همیشه یادتون باشه که تو دنیا ینفر پیدا میشه که از کارتون و هنرمند خوشش نیاد پس بهشون اهمیت ندید و ادامه بدم و خوشحال باشید.



-بین تمام هنرمندهای خیابانی دنیا به کدامشان بیشتر از همه علاقه داری؟

کارهای pejac را خیلی دوت دارم و vinie و levalet و zabou که زن فوق العاده و با استعدادی هست اشنا شدم.

-هنرمند خیابونی از ایران هم میشناسی؟ (به غیر از من) بله icy و sot و خود شما البته.

-نظرت درباره‌ی هنر خیابونی وارد سدنی به داخل گالری‌ها چیست؟ درسته ما نه؟

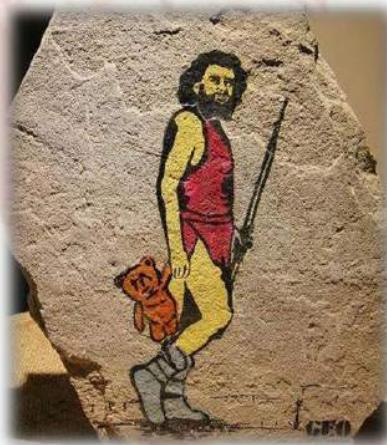
برای من وقتی استریت ارت وارد گالری میشه هتر محسوب میشه ولی هتر خیابانی هم هتر هستش. شخصاً فکر میکنم ایده‌ی بدی نیست اگر یه هنرمند خیابانی میتونه مقداری پول دربیاره و باهش تجهیزات و چیزایی که نیاز داره خریداری کنه و اثر جدید خلق کنه.

-کار دیگه ای غیر از هنرخیابانی انجام میدی؟ قبله‌یه جای کلاسیک کار میکردم ولی الان خیابان تمام و قتمو گرفته.

-عادت‌های روزانه چیان؟

خبرها

من که میخوام بیدار شم و با سرعت ازین همه نا آگاهی دور
شم...تا جایی که میتونم ...
نمایشگاه رو تعطیل میکنم و با ستگام سنگر میسازم...باید از این
جامعه‌ی نا آگاه ترسید...تا به شعور رسید.
باید با چشم میدیدید با گوش میشنیدید با مغز تحلیل میکردید
اما نکردید
تو هم دیگر نیا...دیگر هم با من نبین"
این نمایشگاه که قرار بود تا تاریخ 21 بهمن ماه 1394 در
گالری هپتا ادامه داشته باشد که متساقنه بعد از یک روز تعطیل
شدا
تعدادی از آثار به نمایش گذاشته شده در این گالری:



1394/11/16

تعطیلی نمایشگاه تو هم با من بین

روز 16 بهمن ماه سال 94 از ساعت 16 تا 21 طبق برنامه‌ی از پیش اعلام شده افتتاحیه نمایشگاه آثار هنرمند خیابانی «ژئو» در گالری هپتا بود که قرار بود یک ساعت ابتدایی نمایشگاه بل بهاده نوازی سازهای الکترونیک از "پیمان یارا" با تم و درون مایه هیپ هاپ پارسی همراه باشد که به دلیل ازدهام بیش از حد جمعیت از کنترل خارج شد و در نهایت منجر به تعطیلی نمایشگاه شد. جمعیت به حدی زیاد بود که خبرنگار مجله ما اصلاً نتوانسته بود به داخل گالری هیبا راه پیدا کند! در افتتاحیه این نمایشگاه تعدادی از فعالان موسیقی هیپ هاپ نیز حضور داشتند از جمله بامداد و دیگرد از شکل پلاک بنوید از کمپانی دیوار، فرشاد و مهرداد کلهری مدیر کمپانی گربه های ایرانی

که حضور این افراد قطعاً در شلوغ تر شد نمایشگاه بی تاثیر نبوده است و متساقنه برخی از مردم به جای تماشای آثار هنری که زحمت زیادی بابتش کشیده شده بود مشغول سلفی گرفتن با رپرها شده بودند!

ژئو بعد از تعطیلی نمایشگاهش در صفحه اینستاگرامش اینگونه نوشت:

"تو هم با من ندیدی ..."

این شاید کامل ترین برداشت من و همراهانم به عنوان هنرمندای فعال از گرد همایی امروز جامعه‌ی "هیپ-هاپ" بود...

جامعه‌که نه...گروهی از آدم‌که او مده بودن برای خودنمایی...نه بازدید از یک رویداد هنری...

به این فکر میکنم که برای کی و برای چی خودم و همراهانم رو به زحمت انداختم...

برای کسایی که از رپ فقط "خودنمایی" رو درک کردن...

شناخت کافی از خودشون و راهی که با این همه سختی میریم ندارم...

امروز یک تلنگر بود...

1394/11/29

سفر هنرمند خیابانی FlyCat Y1 به ایران

در روزهای پایانی سال گذشته هنرمند خیابانی-Y ONE به دعوت موزه‌ی هنرهای معاصر تهران به ایران سفر کرد.

در تاریخ 29 بهمن سال گذشته این هنرمند با انتشار عکسی از ویژای ایران خود خبر سفرش به ایران را در صفحه‌ی فیس بوک و اینستاگرام منتشر کرد
لوکا ماسیرونی با نام هنری Flycat y1 مهمان هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر بود است.

به گزارش خبرگزاری مهر لوکا ماسیرونی در حاشیه حضور در این جشنواره با برپایی کارگاهی آموزشی با حضور دانشجویان در موسسه صبا ضمن معرفی خود اثری را در این کارگاه آموزشی خلق کرد.

در این کارگاه آموزشی گفت هنرمند خیابانی با نوشت شعار شکل گرفتمن در خیابان‌های میلان و نیویورک اقدام به نوشت شعارهایی کرد که با استقبال مردم روبرو شد و رفته رفت زمینه هنری یافت من برای آموختن هنر خیابانی بپیویور کردم و به شاگردی «Rammellzee» از هنرمندان شناخته شده جهانی در زمینه نقاشی دیواری درآمد و مدت‌ها با او به خلق اثر پرداختم وی در ادامه برخی از آثاری را که در خیابان به ارائه آنها پرداخته بود به وسیله اسلاید به نمایش گذاشت و سپس به خلق تابلویی در این کارگاه آموزشی پرداخت.

لوکا ماسیرونی در این اثر شبیه کالیوگرافی، نوعی تکسچر از بافت‌های انتزاعی را در مقابل دانشجویان ارائه داد و گفته‌ین اثر در جریان حسی و انرژی که از شما مخاطبان گرفتم خلق شده و بیش اینکه متعلق به من باشد به شما تعلق دارد.

این هنرمند ایتالیایی تصريح کرده‌اند مسئله ذات هنر خیابانی است یعنی شما از دریافت‌های محیط به ارائه حس خود از طریق عناصر تجسمی مثل نقطه، خط و بات مهندس زید

خبرها

لوکا ماسیرونی متولد ۱۹۷۱ در میلان و از شاگردان

«Rammellzee» هنرمند شاخص دنیای نقاشی دیواری استین هنرمند مجسمه ساز، پرورمنس آرتیست و گرافیتی‌البته رپر نیز هست که بیشتر در زمینه هنرهای خیابانی فعال است و در اروپا و آمریکا آثاری را اجرا کرده است.

هشتمین جشنواره بین‌المللی تجسمی فجر به دبیرکلی مجتبی آقایی تا ۱۷ اسفندماه سال جاری در موسسه فرهنگی و هنری صبا میزبان علاقه‌مندان به هنریود.

بدون شک دعوت از Flycat به کشورمان از نکات قابل توجه سال ۱۳۹۴ به شمار میرود.



خبرها

1394/12/23

اعتراضی به بهای 20 سال نابودی آثار هنر

کمتر از یک هفته به برگزاری نمایشگاه «Street Art: Banksy & Co. – L» در بولونیای ایتالیا باقی مانده بود که اقدام عجیب و جالب هنرمند مشهور خیابانی "بلو" همه‌ی جهان را متحیر کرد! نمایشگاه «Street Art: Banksy & Co. – L» از تاریخ 18 مارس در "هفته هنر" در بولونیای ایتالیا برگزار می‌شود، در این هفته همه دلالان هنر از سراسر جهان به بولونیا می‌آیند تا به دلایی هنر بپردازند.

از این رو بلو به کمک دوستانش شروع به پاک کردن تمام نقاشی‌های مورالی کرد که در طی 20 سال اخیر در شهر بولونیا کشیده بود! او این اقدام را برای اعتراض به حضور صاحبان قدرت و ثروتمندان به هنر خیابانی و به تصرف در آوردن اموال عمومی از جانب آنها و همین طور بخارط رفتن هنر خیابانی به سمت گالری‌ها انجام داده است!

با توجه به افزایش محبوبیت هنر خیابانی و ارزشمندی‌تر شدن آن، افراد و سازمان‌ها هر روز بیش از پیش در حال سازماندهی برای کسب درآمد و بهره برداری از این هنر هستند! آنها البته می‌گویند که «برای نجات آثار از تخریب و حفظ آنها را از آسیب‌های زمان» خواستار خصوصی سازی این آثار هستند و البته از لایبی‌های قوی و قدرتمند نیز بهره می‌برند!

به همین دلیل بلو هنرمند ایتالیایی که یکی از معروف‌ترین هنرمندان خیابانی جهان به شمار می‌رود با پاک کردن تمام نقاشی‌هایش از این شهر، به این مسئله اعتراض کرده است!

این آثار در طی 20 سال گذشته توسط «بلو» در این شهر خلق شده بود. Blu در صفحه‌ی فیس بوکش بعد از این اقدام نوشت بود:

«در بولونیا دیگر بلو وجود ندارد و نخواهد داشت تا تا دلال‌ها به خودن ادامه می‌دهن، برای تشکر و انتقاد می‌دانند به کسی مراجعه کنیم»

تعداد تصاویر از این واقعه:



1394/12/29

بهرسنان ۹۵ و حواشی

خبری که در روزهای اول سال سرو صدا زیادی پا کرده بود فرآخوان سازمان زیبا سازی شهر تهران برای مشارکت هنرمندان در زیباسازی متراژ نسبتاً زیادی از دیوارهای شهر تهران به مناسبت شروع سال جدید بودا خبری که عده ای آن را یک فرستاد برای نشان دادن هنر خودشان و عده ای آن را یک خیانت بزرگ به هنر خیابانی می دانستند

اما واقعاً چه اتفاقی افتاده است؟ آیا یک فاجعه بزرگ رخ داده است؟ آیا این نقاشی ها به اسم هنر گرافیتی بر دیوار نقش بسته است؟ آیا این یک اتفاق عجیب است که در هیچ جای دنیا انجام نشده است؟

ابتدا لازم به ذکر است که مشابه این فرآخوانها در اکثر کشورهای دنیا انجام می شود و معمولاً در شهرهایی که هنر گرافیتی در انجا پررنگتر است فرآخوان های بیشتری نیز صورت می گیرد ما اگر به نیمه‌ی پر لیوان نگاه کنیم می توانیم بگوییم که شهرداری تهران حداقل یک گام رو به جلو برداشته است و حال برای احترام گذاشتن به هنرمندانی که خیلی پیش تر به آنها بی احترامی کرده، می خواهد معامله ای با ایشان برسر بخشی از دیوارها داشته باشد اما نکته منفی این قضیه و شاید تفاوت این فرآخوان با فرآخوان های مشابه در دیگر کشورها، "نظرات بر محظوی آثار" و سانسوری شدید توسط مسئولان مربوطه می باشد که چندان با روحیه هنرمندان گرافیتی سازگار نیست. در نتیجه طبیعی است که هنرمندان گرافیتی از این طرح استقبال نمی کنند زیرا اکثر گرافیتی آرتیست ها نقاشی سفارشی و اصطلاحاً "با اجازه" را مقایر با ارزشها و روح گرافیتی می دانند. این هنرمندان بر این باورند که گرافیتی باید بدون نظرات اسباب قدرت کشیده بشود و صرفمازی یافکار و تخیل هنرمند باشد و اگر قرار باشد با نظارت، سانسور و دخالت مسئولان کشیده شود خروجی آن یک نقاشی پوچ و بی محتوا خواهد بود نه یک اثر گرافیتی از طرفی دیگر هنرمندان خیابانی این دیوارها را سهم خود می دانند پس طبیعی است که می بینیم برخی از ایشان با خلق آثاری روی این نقاشی های سفارشی و یا در مکان های در نظر گرفته شده برای این فرآخوان به نوعی به این حرکت اعتراض کرده اند.

پس طبیعی است که می بینیم برخی از ایشان با خلق آثاری روی این نقاشی های سفارشی و یا در مکان های در نظر گرفته شده برای این فرآخوان به نوعی به این حرکت اعتراض کرده اند. شهرداری نیز یک پیغام را از این واکنش ها دریافت خواهد کرد که حداقل برای کنار آمدن با گرافیتی این فرآخوان هیچ فایده ای ندارد البته هنرمندانی از این فرآخوان استقبال کرده اند که از جامعه گرافیتی ایران نیستند.

هرچند که برخی از این نقاشی های سفارشی (نه همه آنها) یا از نظر کیفی در سطح بالایی نیستند و یا به تقلید از آثاری که قبل از خلق شده اجرا شده اند، اما اگر خوشبینانه به این اقدام نگاه کنیم و آن را یک انحطاط پذیری و یک گام رو به جلو از جانب شهرداری بدانیم، شاید گام های بعدی فضاهایی بدون کنترل برای گرافیتی نویس ها باشد. شاید بجای پاک کردن سریع آثار، روزی مسولان شهری به این شعور رسیدند که می شود بجای قلعه ای و این که عجولانه همه چیز را پاک کنند از برخی آثار گرافیتی که مردم واکنش های مثبت به آنها نشان می دهند و در کانون توجه قرار می گیرد مراقبت کند تا از دیوار پاک نشود! شاید در حال حاضر از نظرخان این اتفاق شدنی نباشد اما خیلی از کشورها به این سمت حرکت کرده اند و دیر یا زود شهرداری تهران نیز چاره ای جز این نخواهد داشت اما نوشت: همان طور که گفته شد برخی از هنرمندان گرافیتی با نقاشی "با اجازه و سفارشی" مخالف هستند و آن را نوعی خیانت به هنر گرافیتی می دانند و هرگز حاضر نیستند نقاشی سفارشی انجام بدھند این هنرمندان چشممان را بر روی همه پیشنهاد های مالی بسته اندو بر آرمان های ایشان پایبند مانده اند. برخی هم معتقد هستند که درست است گرافیتی واقعی باید بدون اجازه انجام شود اما هنرمند گرافیتی نیز باید بتواند هزینه های کارش را تامین کند پس گاهی می تواند با مشارکت در پروژه های نقاشی سفارشی، هزینه های روزمره اش را تامین کند. این دو دسته، عقیده و تفکران قابل درک و قابل احترام است!

در این اعتراضات انجام شده به این رخداد شاید غیرمنتظرترین اعتراض از جانب هنرمندی بود که خود در رفتن استنسیل آرت به سمت گالری ها بی تاثیر نبود و حالا شرکت در این فرآخوان را مخالف گرافیتی و نوعی تن فروشی می داند. البته مسلماً اعتراض کردن به این فرآخوان از مشارکت در ان بیشتر مورد توجه قرار می گیرد.

خبرها



تعداد از اثاری که به اعتراض از این رخداد توسط برخی گرافیتی نویس های تهرانی انجام شده است را مشاهده میکنید
به ترتیب اثر طاها، نفیر و FRZ، بلک هند



خبرها



در این مستند که بیش از یک ساعت بطول انجامید با ژئو، کیلومیناتی ها، بهم، گروه دز، Kazz و فردا از هنرمندان خیابانی تهران و Mad از استنسیل آرتیست های تبریز گفت و گو شد!

البته این فیلم تکاهی گذرا به فعالیت هنری هنرمندان خیابانی دیگر نیز داشت. البته با توجه به اینکه تعداد زیادی از هنرمندهای عرصه گرافیتی با این مستند همکاری داشتند شاید انتظار می رفت با هنرمندان خوب دیگری که حضور خیلی کمزังی در این مستند داشتند هم گفت و گویی صورت می گرفت و محوریت مستند روی سخنان چند تن معذوب نبودا. البته حتما کارگردان «باره های شهر» نیز با مسائل و محدودیت هایی رو به رو بوده که ما از آن بی خبریم!

لازم به ذکر است که کار موسیقی های استفاده شده در این مستند بر عهده ی پیمان یارا از تشكیل پلاک و پروفسور کیلومیناتی بوده است!

خبرنگار مجله گرافیتی ایران "A.S"

به هر صورت در این مستند سعی بر این شده که دید مثبتی از گرافیتی به مردم داده شود و ما امیدواریم زین پس شاهد برنامه های بیشتری در این راستا باشیم.

مستند «باره های شهر» بعد از چند اکران دیگر، در اواخر امسال بصورت اینترنتی نیز پخش خواهد شد!

1395/02/08

اکران مستند «باره های شهر»

در تاریخ 20 بهمن ماه سال گذشته تیزر مستند «باره های شهر» منتشر شد، این مستند که ساخته «آیدین باقری» هست و در مورد هنر گرافیتی ایران، قرار بود در اسفند ماه همان سال اکران شود که بنا به دلایل نامعلومی اکران این مستند با تأخیر چند ماه مواجه و سرانجام مستند «باره های شهر» در تاریخ 8 اوریبیهشت در بنیاد لاجوردی اکران شد. خبرنگار ما که در محل اکران مستند حاضر بود، گزارشی از این رخداد ارائه کرده است:

طبق اعلام قبلی ساعت 7 بعد از ظهر زمان اکران مستند بود، بنابراین من کمی زود تر خودم رو به خیابان کریمخان که بنیاد لاجوردی در آنجا واقع شده بود رساندم؛ جمعیت پراکنده ای در اطراف بنیاد لاجوردی منتظر باز شدن درب مانده بودند!

می توانم بگویم با توجه به اطلاع رسانی تعداد زیادی از هنرمندهای خیابانی، جمعیت قابل قبول و خوبی برای اکران فیلم آمده بودند به طوری که بعد شروع فیلم سالن پر شده بود و حتی عده ای مجبور شدند ایستاده فیلم را تماشا کنند!

تقریباً اکثر هنرمندان خیابانی که در مستند حضور داشتند برای تماشای فیلم نیز آمده بودند. حتی «mr.man» گرافیتی نویس شیرازی نیز آمده بود و در بنیاد لاجوردی حضور داشت!

حفظ باطن و روح

گرافیتی در کالبد

فرهنگ پارسی!

در قبال آن داریم. هنرمندان ما باید از لاک خود بیرون بیایند و دشمنی و کینه توزی های با یکدیگر را که بعضا وجود دارد کنار بگذارند. با آگاهی بخشی مسیر را برای تازه وارد ها روشن سازند و همینطور متحده باهم این هنر اعراضی را به سمتی پرند که تا حد امکان به فرهنگ ایانی نزدیک شود، به عبارتی: حفظ باطن و روح گرافیتی در کالبد فرهنگ پارسی!

مسئله دیگر مربوط به مخاطبان و علاقه مندان هنر گرافیتی ایران می شود که اگر درک درستی از این هنر دارند باید در هر سن و جایگاهی که هستند آگاهی را نسبت به هنر گرافیتی در میان اطرافیان خود افزایش دهند که بته خوشبختانه حرکت های خوبی هم در همین راستا از جانب افرادی که پتانسیل بالای هنر گرافیتی ایران را درک کردن اتفاق افتاده است از نمونه های

خوب این حرکات مثبت مطالب مفید سایت های هنری و روزنامه ها و دیگر رسانه ها در مورد هنر گرافیتی ایران میتوان نام برد.

اگر این اتفاقات بیشتر رخ بدهند فرهنگسازی خوبی در مورد هنر گرافیتی انجام خواهد شد. که خروجی این اتفاق طبیعتاً باعث درک بیشتر جامعه از هنر گرافیتی می شود و احترام بیشتری نسبت به هنرمندان این عرصه گذاشته می شود و مسلمان در چنین فضای دور از ذهن نخواهد بود اگر ببینیم که حتی شرکت های تولید اسپری رنگ ایرانی نیز به دنبال افزایش کیفیت محصولات خود روی بپرند.

امیدوارم روزی برسن که گرافیتی ایران در مسیر اصلی خود گام بردارد و از چندشاخگی ها و بزرگ کاری ها و تخریبگری های بی مورد نیز فاصله بگیرد.

دانیال تاریک هنر در قرن بیست و یکم هیچ محدوده و مرزی ندارد؛ همواره از کشوری به کشور دیگر و از قاره ای به قاره دیگر حرکت کرده و گرد فرهنگ و هنر هر منطقه را به خود گرفته یا بر آنها تاثیر می گذارد. مانند هنر سینما شاتر، سبک های نوین موسیقی و نقاشی و... که از سرزمین های دور و نزدیک وارد کشور ما شدند. کما ینكه این هنرها هم در ابتدا با بدیشی عام مردم خصوصاً قشر سنت گرا و کم سعاد موافق بودند. اما در نهایت با رشد فرهنگ و مدرنیته و همچنین تلاش هنرمندان و پیروانشان جایگاه خود را بین مردم پیدا کرده و رفته رفته مورد مقبولیت چشم گیری نیز واقع شدند. در حال حاضر حتی از این هنرها برای بازتاب فرهنگ و ادب و رسوم کشورمان نیز در جوامع بین المللی استفاده می شودا

امروز گرافیتی یک پدیده‌ی نوپا در کشور ماست که هنوز دو دهه ای عمرش راهم سپری نکرده و آنچنان که باید در میان مردم جاافتاده نیست. هرچند تلاش ها برای بالا بردن سطح آگاهی نسبت به این هنر توسط فعالان آن همواره ادامه داشته و دارد اما خالقان اثر گرافیتی در ایران بر خلاف تمام کشورهای دیگر در گیر تهمت ها و مشکلات فراوانی (افزون بر مشکلاتی که خاصه خود گرافیتی هست و بخش جدایاپذیر آن محسوب می شود) از جانب افراد و مسئولان بی اطلاع هستند که این خود لطممه‌ی بزرگی به بدنی گرافیتی ایران می زند و حتی سبب مهاجرت عده ای از هنرمندان خوب این عرصه نیز بوده است.

حال همه ما چه در قالب هنرمند گرافیتی و چه به عنوان مخاطب آن اگر خواهان پذیرش هرچه بیشتر گرافیتی از جانب مردم و پیشرفت و حرفه ای تر شدن این هنر هستیم وظایفی هم

دعوت به همکاری

شماره اول مجله گرافیتی ایران به همه‌ی کم و کاستی‌هایش منتشر شد و این اولین تجربه‌ی ما در این زمینه بود، تیم تحریریه مجله نه خارج از خانواده‌ی گرافیتی ایران هستند و نه ادعای بر دنای کل بودن در این زمینه را دارند و فقط آغاز کننده‌ی راهی هستند که ادامه دادنش بدون کمک همه‌ی هنرمندان خیابانی ایران غیر ممکن خواهد بودا

نحوه‌ی اداره و خط مشی مجله به اینگونه هست که سر دبیر هر شماره بعد از بیرون آمدن آن شماره تغییر خواهد کرد، م‌جله از یک هسته مرکزی با چند عضو ثابت تشکیل شده که در همه فعالیت‌های مجله نقش دارند و سعی خواهد شد ضمن اضافه کردن اعضای جدید، برای هر شماره‌ی مجله از مفسران هنری و هنرمندان خیابانی بعنوان عضو متغیر نیز استفاده شود، بنابراین این امکان وجود دارد که افرادی که فکر می‌کنند میتوانند به ما و هترخیابانی کمک کنند ولی وقت کافی برای فعالیت ثابت در مجله را ندارند بطور پاره وقت با ما همکاری کنند

مجله گرافیتی ایران از همه هنرمندان خیابانی، مفسران و منتقدان هنری، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران هنری، طراحان گرافیک، عکاسان، طراحان وبسایت، علل خصوص افرادی که در زمینه‌ی ویراستاری مهارت دارند دعوت به همکاری می‌کنند (لازم به ذکر است که این شماره بدون ویراستاری منتشر شد) علاقه‌مندان به همکاری با مجله می‌توانند از راه ارتباطی زیر با ما تماس بگیرند:

graffitiiranmagazine@gmail.com

بهای خرید هر نسخه از مجله انتشار آن به دیگران است.

به ما بپیوندید:



Instagram.com/Graffitiiranmagazine

Telegram.me/Graffitiiranmagazine

Aparat.com/Graffitiiranmagazine

Graffiti Iran Magazine